



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

حامل: کلبه قوانین - مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال هشتم

۳ شنبه ۲۹ مهر ماه ۱۳۳۱

شماره ۲۳۳۸

شماره مسلسل ۲۸

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۸

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز ۳ شنبه ۲۵

شهریور ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- قرائت نامه مقام ریاست مجلس
- ۳- بیانات آقای نایب رئیس دائر بابر از تأثیر از فوت مرحوم سید یعقوب انوار
- ۴- طرح گزارش آقای نخست وزیر راجع بجزایان مذاكرات مربوط به نفت و طرز تصفیه غرامات و ابراز اعتماد بدولت آقای دکتر مصدق نخست وزیر
- ۵- بیانات آقای نایب رئیس دائر به ابراز تأسف از فوت مرحوم آیت الله خوانساری
- ۶- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای محمد ذوالفقاری (نایب رئیس) تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - بصورت جلسه روز پنجشنبه ۲۳ مرداد اگر آقایان اعتراضی دارند بفرمایند (جمعی از نمایندگان - نداده اند) روز چهارم شهریور توزیع شده و خدمت آقایان داده اند. آقای فرامرزی

عبدالرحمن فرامرزی - عرضی که بنده دارم مربوط باین نامه ایست مال حزب سومکا که مینویسد منشی زاده را بدون حکم دادگاه و دادستان توقیف کرده اند...

نایب رئیس - این مربوط بصورت جلسه نیست

فرامرزی - بنده خواستم عرض کنم که بدون نظر دادستان چگونه می توانم را توقیف کرده اند و در چیست است؟

نایب رئیس - این مربوط بصورت جلسه نیست، آقای شهیدی.

شهیدی - در ضمن نطق آقای دکتر بقائمی در جلسه گذشته بنده عرض کردم طبق ماده ۱۹ این عمل شده در صورت مجلس نوشته شده طبق ماده ۱۹ باطل شده تقاضا میکنم اصلاح شود

نایب رئیس - بسیار خوب. آقای مهندس رضوی

مهندس رضوی - دو مطلب را -

بنده میخواستم بعرض برسانم یکی راجع بتقاضایی است از طرف اهالی شهر قم در خصوص کمی آب و سوء استفاده هائی که از مجاری میشود و نظرباینکه صنعت نفت ممکن است در نزدیکی قم برقرار شود و اهمیت آب در آنجا بیشتر باید منظور شود تقاضا دارم که مورد توجه واقع بشود موضوع دومی که میخواستم بعرض برسانم اینست که مقام ریاست مجلس شورای ملی حضرت آیت الله پس از تعطیل نامه ای بوسیله بنده خطاب با آقایان نمایندگان محترم مرقوم فرموده بودند که در آن موقع فرصت قرائت نامه ایشان بدست نیامد حالا از مقام ریاست تقاضا میکنم اجازه بفرمایند این نامه بعرض آقایان نمایندگان محترم برسد

نایب رئیس - بسیار خوب قرائت میشود. آقای کهبید

کهبید - شکایتی هست از اهالی - برغان راجع با سببی که بآنها وارد شده و همینطور نامه هائی هست از نهانوند و علیشاه عوض راجع به راه که تقدیم مقام ریاست میکنم و سه سؤال هم از وزارت کشور و وزارت اقتصاد شده است که تقدیم میشود.

نایب رئیس - اعتراض دیگری نسبت بصورت مجلس نیست؟ (اظهاری - نشد)

(۲- قرائت نامه مقام ریاست مجلس)

نایب رئیس - نامه حضرت آیت الله قرائت میشود (توسط آقای ناظرزاده منشی بشرح زیر قرائت شد)

بوسیله جناب آقای مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحیم - باتشکر از حسن نیت و احساسات بی شائبه نمایندگان محترم مجلس شورای ملی که صرفاً بمنظور

تحکیم رشته یگانگی و ایجاد وحدت نظر پارلمانی ابراز نموده و مسئولیت خطیری رامتوجه اینجناب ساخته است و البته باید سعی و کوشش در اتحاد نمایندگان محترم نمایم تاموفق باصلاحات شویم لذا از کلبه آقایان عزیزم اعم از مخبرین جرائد و تماشاچیان حفظ نظم و آرامش و رعایت مقررات مجلس را خواهانم و یقین دارم که با قبول این درخواست مشفقانه که موجب حفظ شئون و حیثیت مجلس شورای ملی است مجال خدمتگذاری و تصویب لوایح اصلاحی را بنمایندگان محترم خواهید داد و بار دیگر این خدمتگذار بی اغرض خود را تشویق نمائید والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

سید ابوالقاسم کاشانی
(۳- بیانات آقای نایب رئیس دائر بابر از تأثیر از فوت مرحوم سید یعقوب انوار)

نایب رئیس - بطوریکه آقایان همکاران محترم اطلاع دارند آقای آقا سید یعقوب انوار شیرازی نماینده ادوار سابق مجلس شورای ملی پریروز برحمت ایزدی پیوسته ایشان چند دوره سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را داشته و از مجاهدین صدر مشروطیت ایران و از آزادیخواهان این کشور بوده و در این راه خدمات شایانی نموده از خداوند متعال خواهانیم که ایشان را غریق رحمت خود فرموده و سعادت و تسویق بباز ماندگان آن مرحوم عطا فرماید.

خلخالی - خواهش می کنم تأثیر مجلس را نسبت بغوت آیت الله خوانساری هم بفرمائید
نایب رئیس - در نظر هست بموقع عرض میشود

۴- طرح گزارش آقای نخست وزیر راجع بجرایان مذاکرات مربوط به نفت و طرز تصفیه غرامات و ابراز اعتماد بدولت آقای دکتر مصدق نخست وزیر

نایب رئیس - آقای وزیر دارائی وزیر دارائی و نایب نخست وزیر (آقای کاظمی) - چون جناب آقای نخست وزیر کسالت داشتند نتوانستند خدمت آقایان برسند بنده را مأمور فرمودند که مطالبی را که داشتند به عرض آقایان برسانم

مجلس شورای ملی لازم بعرض و اظهار نیست که پس از ملی شدن صنعت نفت دولت اینجانب بیروی از افکار عمومی کمال حسن نیت در برای حل منصفانه این مشکل بکاربرد امامت سفاکه از همان آغاز کار دولت انگلستان که بدون حق خود را در این اختلاف وارد کرده بودند کذاست این کار بموقع و با حسن تفاهم و برطبق موازین قانونی تصفیه و تمام شود و کوشش بسیار نمود تا موضوع را بعنوان اختلاف دو دولت بشورای امنیت برده بعنوان اینکه ملی شدن صنایع نفت در ایران صلح جهانی را تهدید میکند از شورای امنیت داوری و حکمیت طلب کند در صورتیکه جریان امر کاملاً برخلاف آن بود چه دولت ایران بیروی از تمایلات ملی در حدود اختیاراتی که هر ملت در امور داخلی خود دارد و منشور ملل متفق نیز آنرا تأیید کرده است دست باین کارزد و در این باره مجال حرف و چون و چرا نبوده و حقاً اگر میبایست بشورای امنیت شکایتی شود این شکایت از طرف دولت ایران می- بایست بشود زیرا دولت انگلیس با فرستادن قوای زمینی و هوایی و دریایی خود بر سرحدات مجاور ایران مملکت مارا با شغال نظامی تهدید میکرد و تمام قدرت خود را بکار میبرد تا با تهدید و ارعاب مقاومت دایرانه ملت ایران را در هم شکسته و با دیگر تسلطش که سابق را بر نواحی نفت خیز مستقر کند و با زسالیان دراز ملت ایران در فقر و مسکنت بسوزد و بسازد و عواید نفت خود را بکسبه سرمایه داران طمع و زربیر زد خوشبختانه این اقدام به جایی نرسید و حقانیت ملت ایران و طمع کاری شرکت سابق و دخالت های ناروای عمال انگلیس در امور داخلی ایران همه از پرده بیرون افتاد و بسمع جهانیان رسید و موجب شد که شورای امنیت نتواند تصمیمی بر ضرر ایران اتخاذ کند و چنین اظهار نظر کرد که چون موضوع در دیوان بین المللی داد گسرتی لاهه مطرح است تا اتخاذ تصمیم از آن دیوان موضوع در دستور بماند

در نتیجه این تصمیم شکایت دولت انگلیس در دیوان لاهه که قانوناً مرجع رسیدگی باختلاف بین دو دولت است تعقیب شد و دولت ایران در مقابل تمام تحریمات عوامل داخلی و خارجی سخت مقاومت نمود و عدم صلاحیت دیوان مزبور را اعلام داشت

برای جلوگیری از تبلیغات سعودولت انگلستان که میکوشید تا برخلاف حق ایران را ببوزاین و اصول بین المللی بی اعتناء نشان دهد و باصلاح برای مایرونده بسازد اینجانب تصمیم گرفتم شخصاً در دیوان حاضر شوم و دلایل خود را مبنی بر عدم صلاحیت آن دیوان عرضه بدارم در این وهله نیز حق و عدالت پیروز شد و نظریه دولت ایران مورد تصویب دیوان لاهه قرار گرفت و باین طریق این منصفانه مساعی دولت انگلستان دروا نمود کردن عدم حقانیت مردم ایران نقش بر آب شد و دنیا ادامه مظالم يك دولت استعماری که برای بسط نفوذ و تسلط دیرینه خود در یک کشور ضعیف بانواع حیل و دسائس توسل و تمسک میجست پیش از این نرسندید و باید عرض کنم ما این بیروزی را از همان ابتدای نهضت ملی در افکار عمومی جهان بدست آورده بودیم و دولت انگلیس بیهوده می کوشید که حق را باطل جلوه دهد و باطل را بر کرسی حق بنشاند پس از صدور رأی دیوان چنین بنظر میرسید که دولت انگلستان از مظالم دیرین خود دست بکشند و دوستی ملت ایران را بر منافع مادی خود که جبران آن از طرق دیگر خود دارد و منشور ملل متفق نیز آنرا تأیید کرده است دست باین کارزد و در این باره مجال حرف و چون و چرا نبوده و حقاً اگر میبایست بشورای امنیت شکایتی شود این شکایت از طرف دولت ایران می- بایست بشود زیرا دولت انگلیس با فرستادن قوای زمینی و هوایی و دریایی خود بر سرحدات مجاور ایران مملکت مارا با شغال نظامی تهدید میکرد و تمام قدرت خود را بکار میبرد تا با تهدید و ارعاب مقاومت دایرانه ملت ایران را در هم شکسته و با دیگر تسلطش که سابق را بر نواحی نفت خیز مستقر کند و با زسالیان دراز ملت ایران در فقر و مسکنت بسوزد و بسازد و عواید نفت خود را بکسبه سرمایه داران طمع و زربیر زد خوشبختانه این اقدام به جایی نرسید و حقانیت ملت ایران و طمع کاری شرکت سابق و دخالت های ناروای عمال انگلیس در امور داخلی ایران همه از پرده بیرون افتاد و بسمع جهانیان رسید و موجب شد که شورای امنیت نتواند تصمیمی بر ضرر ایران اتخاذ کند و چنین اظهار نظر کرد که چون موضوع در دیوان بین المللی داد گسرتی لاهه مطرح است تا اتخاذ تصمیم از آن دیوان موضوع در دستور بماند

دولت ایران بطرح دعوی بی اساسی در دیوان بین المللی داد گسرتی مبادرت ورزید و دیوان مزبور در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ رأی خود را مشعر بر عدم صلاحیت در رسیدگی بموضوع اعلام و قرار مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ راجع با اقدامات تأمینی را باطل نمود

هیچگاه بتمهدهات خود عمل ننموده و دولت انگلستان را وادار کرده که برخلاف حق به طرح دعوی بی اساسی در دیوان بین المللی داد گسرتی مبادرت نماید برای جلوگیری از فروش نفت ایران در سراسر جهان نیز اقداماتی بعمل آورد که توفیق کشتی روزماری یکی از شواهد بارز آن است . شرکت سابق و دولت انگلیس از جهات متعدد بدولت ایران خسارات کلی وارد آورده و موجبات مضیقه مالی و مشکلات اقتصادی کشور ایران را فراهم کرده اند که بعضی از آنها بقرار یست که ذیلا شرح داده می شود: الف - عدم تأدیبه دیون شرکت سابق بدولت ایران بابت سالهای اخیر که بتصدیق خود شرکت سابق برده ها میلیون لیره بالغ میشود ب - خسارات ناشیه از تاخیر تأدیبه دیون مذکور ج - عدم تأدیبه وجوه متعلق بدولت ایران که در بانک های انگلستان تودیع شده . د - خسارات ناشیه از تاخیر تأدیبه وجوه مذکوره ه - مطالبات دولت ایران از شرکت سابق و همچنین خسارات دولت ایران ناشی از عمل آن شرکت و دولت انگلیس و - خسارات ناشیه از جلوگیری از فروش نفت ایران که بر اثر تهدید و ارعاب و اسباب چینی شرکت سابق و کمک آندولت بشرکت مزبور بعمل آمده و دولت ایران را در فروش نفت خود دچار اشکالات ساخته است ۳ - باتوجه بر مراتب مذکوره در فوق دولت شاهنشاهی انتظار دارد لافل و جوهی که تعلق آن بدولت ایران مورد تصدیق خود شرکت سابق است و تا کنون پرداخت نشده فوراً تأدیبه گردد و همچنین وجوه دیگری که متعلق بدولت شاهنشاهی است و در بانکهای انگلستان تودیع گردیده تحت اختیار دولت شاهنشاهی قرار گیرد و مخصوصاً برای حفظ مناسبات و روابط حسنه و رفع هر گونه سوء تفاهم بین دولت شرکت سابق نفت از این بیعت از اقدامات ناروا در جلوگیری از فروش نفت ایران خودداری کند - دولت شاهنشاهی با حسن نیتی که در موارد عیدیه بثیوت رسانیده اینک نیز اعلام میدارد که بمنظور پیدا کردن راه حل برای رسیدگی بمطالبات و دعوی حقه شرکت سابق در حدود قانون (۹) اردیبهشت ۱۳۳۰ و همچنین مطالبات

و دعوی متقابل دولت ایران حاضر است با نمایندگان آن شرکت وارد مذاکره شود در صورتیکه از طریق مذاکرات مستقیم بین نمایندگان شرکت سابق و دولت شاهنشاهی توافقی در این باره حاصل نگردد شرکت میتواند دعوی خود را در محاکم صالحه ایران اقامه نماید

دولت ایران انتظار دارد این حسن نیت دولت شاهنشاهی از طرف دولت انگلستان چنانکه باید استقبال شده و بشرکت سابق توصیه کند که نمایندگان خود را برای مذاکره در این امر با دولت ایران تعیین نماید. لزوماً متذکر می شود چنانچه در پرداخت وجوه متعلق بدولت ایران از طرف بانکهای انگلیس و شرکت سابق تأخیر و مسامحه شود و یا شرکت سابق و دولت انگلستان اقدامات نامشروع خود را بهر صورت که باشد علیه ایران ادامه دهند مسئولیت کلیه اقدامات مزبور خسارات ناشیه از آن من جمیع الجهات متوجه دولت انگلیس و شرکت سابق نفت خواهد بود موقع را برای تجدید احترامات فاتحه مغتنم میشمارد» و باز دولت ایران انتظار داشت که با توجه بوضع وخیم اقتصادی ایران دولت انگلیس از محاصره اقتصادی که برخلاف موازین بین المللی ایجاد کرده بود دست بکشد و بشرکت سابق توصیه نماید بپرداخت فوری ده ها میلیون لیره مطالبات دولت ایران برای تأمین میزان غرامت عادلانه مایملک خود با توجه بدعوی متقابل مبادولت وارد مذاکره شود ولی دولت انگلیس که از سیاست دفع الوقت زبان ندیده و مردم ایران را گرفتار بحران اقتصادی ساخته بود باین امید که ادامه بحران مقدمه گشایشی در کار او بشود در ارسال پاسخ تأخیر و تعامل روا داشت که اینجانب موضوع را بنمایند آن دولت تذکر داده و علت این تأخیر را جویا شدم تا سرانجام روز پنجم شهریور ماه ساعت ده صبح سفیر کبیر امریکا و کاردار سفارت انگلیس بدینین اینجانب آمده متن پیامی که بامضای پرزیدان ترومن و مستر چرچیل رسیده بود تسلیم نمودند مذاکرات طرفین بیش از ۳ ساعت بطول انجامید در آن جلسه با اطلاع نمایندگان دولتین رسانیدم که پیام مزبور برای ملت ایران قابل قبول نیست و تقاضا کردم که پس از مذاکره با دولتین آنرا مسترد کنند این تقاضا را پذیرفتند و قبل از اینکه بادل متبوعه خود داخل در مذاکره شوند پیام را پس گرفتند و چنین قرار شد که مذاکرات طرفین مکتوم بماند تا بتوانند در ظرف یک هفته جواب بپردازند ۱۶ مرداد دولت ایران را بدینین ولی قبل از انقضای مدت از اینجانب مجدداً ملاقات و اظهار نمودند که جواب بپردازند

صلحه ۳

ممان پیام است که بزعم آنها از روی کمال حسن نیت تنظیم شده و هیچگونه تغییری در آن مسر نیست پیام مزبور و ضمائم آن برای استحضار آقایان نمایندگان محترم بنام عرض میرسد ترجمه تهران - ایران ۲۰ اوت ۱۹۵۲ (هشتم شهریور ۱۳۳۱) جناب آقای دکتر محمد مصدق نیت وزیر ایران اقتضار داریم طبق تعلیماتی که از وزارت های مربوطه خود دریافت داشته ایم پیام مشترکی را که رئیس جمه وری کشور های متحد امریکا و نخست وزیر بریتانیای کبیر بعنوان جنابعالی فرستاده اند بدینوسیله بنهم کنیم: لوی و هندرسن سفیر کبیر کشورهای متحد آمریکا ج ۵۰ میدان تون کردار موقت علیا حضرت ملکه انگلستان

ترتیب جریان نفت را از ایران بیازاری دنیابدهند

۳- چنانچه دولت ایران بایشنهادهای مندرجه در دندند فوق موافقت فرمایند الف- نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران برای حمل نفتی که هم اکنون در - ایران ذخیره است اقدام تهیه وسائل لازم خواهند نمود . و همچنین موافقت هائی در باره قیمت حاصل شود و شرایط فنی برای باز گیری اجازه دهد بابت هر مقدار نفتی که بتوان هر چه زودتر حمل کرد پرداخت مقتضی بعمل خواهد آمد ب - دولت علیا حضرت ملکه انگلستان پاره ای تزییقات موجوده نسبت بصادرات (کالا) را با ایران و نسبت باستفاده ایران از (وجود) استرلینگ مرفوع خواهد ساخت ج - دولت کشورهای متحد آمریکا فوراً مبلغ ده میلیون دلار بلا عوض بدولت ایران کمک در رفع مشکلات بودجه ای آن دولت خواهد پرداخت قرارداد مخصوص دولت کشور متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی از یکطرف و دولت شاهنشاهی ایران از طرف دیگر موافقت نموده اند که موضوع غرامتی را که باید بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در کشور ایران پرداخت شود با رعایت وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده و بانوجه بکلیه دعوی و دعوی متقابل طرفین بحکمیت رجوع نمایند این قرارداد بتصویب دو کشور خواهد رسید و سند تصویب هر چه زودتر در تهران مبادله خواهد شد پس از مبادله اسناد تصویب این قرارداد ممکن است از طرف هر یک از طرفین بدیوان داد گسرتی بین المللی اعلام گردد در تصدیق مراتب فوق امضاء کنندگان حاضر در این قرارداد در تهران امضاء نموده اند در این روز انگلیسی و فارسی تنظیم و متن هر دو دارای اعتبار مساوی خواهد بود چون لازم بود که علت عدم قبول پیام را با اطلاع عموم برساند در ۱۶ شهریور ماه ۳۱ در جلسه ای مرکب از مخیرین جراید داخلی و خارجی نظر خود را بصورت اعلامیه بمضمون ذیل منتشر نمود « چنانکه خاطر محترم آقایان مسیوق است پس از رأی دیوان داد گسرتی لاهه مبنی بر عدم صلاحیت خود در رسیدگی به دعوی غیر وارد انگلستان برای اینکه دولت ایران باز دیگر حسن نیت خود را بجهانیان ثابت کند در تاریخ ۱۶ مرداد ۳۱ مطابق ۷ اوت ۱۹۵۲ ضمن یادداشتی که بدولت

مذاکرات مجلس شورای ملی

انگلستان فرستاد آمادگی خود را ببری تجدید مذاکرات اعلام نمود - انتظار میرفت که پس از صدور حکم دیوان داد گسرتی بین المللی و وصول پیشنهاد دولت ایران دولت انگلستان با احترام و تبعیت از اصول و مقررات بین المللی و رعایت تأمین صلح جهانی در روش خود نسبت به ایران تجدید نظر نماید متأسفانه پیام اخیر نشان میدهد که اولیای امور انگلستان در لغافه عبارات تازه عیناً و بلکه شدیدتر همان مقاصد سابق خود را دنبال می کنند و وقتی با حساسات ملل و تحولاتی که در ایران و سایر نقاط جهان بوجود آمده نمیکذارند و مطلقاً توجهی باوضاع و احوال بین المللی ندارد . علل عدم موافقت دولت اینجانب با پیام اخیر دولتین امریکا و انگلیس متعدد است اینک بذکر پاره ای از آن ها می پردازیم « بدو لازم است باین نکته توجه فرمایند که در پیام مزبور چنین اظهار شده که محرک ما احساسات دوستی صمیمانه و تاریخی است که نسبت بملت و مردم ایران داریم و قلباً آرزو مندیم هر چه زودتر موجبات حل سریع و منصفانه اختلاف کنونی را فراهم سازیم » دولت و ملت ایران با وجود صدماتی که از حکومت های مختلف انگلستان در قرن اخیر متحمل شده همیشه آرزوی تشدید روابط حسنه با ملت انگلستان را داشته و دارد . همچنین در باب حل سریع اختلاف کنونی با شرکت سابق گمان نمیکند محتاج باشد محاکم ایران وجود ندارد (صحیح است) حال اگر شرکت نفت بر طبق اصول کلی آئین دادرسی بخواهد بمعکله صالحه یعنی محاکم ایران رجوع کند این البته می تواند حاصل نشده است اما راجع بجل منصفانه اختلاف بنظر اینجانب تمام اختلاف در همین نکته راه حل منصفانه است زیرا راه حلی که در این پیام پیشنهاد شده نه تنها بهیچوجه منصفانه نیست بلکه بمراتب از راه های سابق شدید تر و غیر عملی تر است . پیش از اینکه دلایل غیر منصفانه بودن پیام را با تحلیل و تجزیه اجمالی شرایط منضمه به پیام توضیح دهم از ذکر این نکته اساسی ناگزیرم که بطور کلی از پیام و شرایط منضمه بآن چنین مستفاد می شود که بدینوسیله می خواهند يك مسئله کاملاً داخلی را بصورت يك اختلاف بین دول در آورند یعنی نتیجه تمام زحمات و مبارزاتی را که دولت ایران در راه دفاع از حق حاکمیت خود متحمل شده و توفیقی را که در دیوان داد گسرتی بین المللی بدست آورده با تحمیل این شرایط از میان ببرند.

توضیح آنکه دولت انگلیس چون با وجود تشبثات عیدیه از طرفی نتوانست بقرار داد تجملی ۱۹۳۳ عنوان قرارداد بین دو دولت بدهد و از طرف دیگر چون محاکم ایران بر طبق اصول حقوقی حاضر بقبول دعوی شرکت سابق هستند بانه استنکاف از احقاق حق هم از دست آندولت گرفته شده و دیگر باین عنوان نمی تواند از همان ملل دنیا را مشوب کرده بعنوان حمایت از شرکت وارد اختلاف شود میخواهد از این راه اسباب مداخله خود را فراهم سازد و حال آنکه داخله آن دولت در روابط بین دولت ایران و شرکت سابق بهیچوجه مورد ندارد زیرا دولت ایران همانطور که مکرراً اظهار داشته و در یادداشت ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ هم مجدداً تذکر داده پیوسته حاضر است بدعوی شرکت سابق خواه بوسیله مذاکرات مستقیم خواه بوسیله محاکم صالحه رسیدگی نموده و با رعایت حقوق طرفین رفع اختلاف کند پس از این مقدمه کلی بتعلیل و تجزیه اجمالی شرایط منضمه به پیام می پردازیم ماده اول - در ماده اول علاوه بر نکته اساسی مذکوره در فوق یعنی سعی در تبدیل اختلاف داخلی باختلاف بین دول که بهیچوجه قابل قبول نیست موضوعات دیگری را بیمان آورده اند از جمله یکی موضوع ارجاع تشخیص و تعیین غرامت است بدیوان داد گسرتی بین المللی بر آقایان محترم پوشیده نیست که پس از قرار عدم صلاحیت دیوان داد گسرتی بین المللی دیگر در سراسر جهان مرجع قضائی که صالح برای رسیدگی باختلاف دولت ایران و شرکت سابق نفت باشد جز محاکم ایران وجود ندارد (صحیح است) حال اگر شرکت نفت بر طبق اصول کلی آئین دادرسی بخواهد بمعکله صالحه یعنی محاکم ایران رجوع کند این البته می تواند حاصل نشده است عرض حال خود بکنجانند زیرا هر مدعی وقتی بمعکله ای که باالاصاله و اوجد شرایط رسیدگی است رجوع کند حق دارد موضوع دعوی خود را هر قدر بخواهد توسعه دهد ولی همین محکمه ای که بخودی خود واجد صلاحیت نیست مراجعه کند موافقت مدعی علیه هم لازم میآید و اولین شرط توافق اینست که طرفین در ماهیت و حدود اختلاف فیما بین باهم کنار بیایند یعنی معلوم کنند چه مطالبی را میخواهند بمعکله مورد توافق رجوع کنند بعبارت واضح تر شرکت سابق و دولت ایران باید معلوم نمایند که چه موضوعاتی را میخواهند در دعوی خود مورد رسیدگی قرار دهند من باب مثل بعضی از دعوی متقابله ایران که باینکه مورد رسیدگی قرار گیرد این قبیل است

الف- تأدیبه دیون شرکت سابق بملکت ایران بابت سالهای اخیر و خسارت تأخیر تأدیبه آن

ب- خسارات ناشیه از جنوگیری از فروش نفت ایران که بر اثر تهدید و ارباب و اسباب چینی شرکت سابق و کمکت دولت انگلیس بشرکت مزبور بعمل آمده و دولت ایران را در فروش نفت خود دچار اشکالات ساخته است

ج- حقوق گمرکی و انحصاری دولت ایران که در عهده شرکت سابق است

د- مالیات مواد نفتی مصرفی نیروی متفقین در ایران

شرکت سابق هم باید به همین نحو معلوم و معین نماید که چه دعوائی را میخواند بتواند فرامت مورد رسیدگی قرار دهد پس از توافق در این امر البته ممکن است موضوع اختلاف را به محکمه مورد توافق ارجاع نمود و بعکس تا در موضوع دعوای غرامت موافقت حاصل نشود توافق در ارجاع امر به محکمه ایران میسر نیست

مطلب دیگر این ماده راجع است عبارت وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده است خاطر آقایان مستحضر است که ملت ایران قرارداد تجمیلی ۱۹۳۳ را باطل و کان لم یکن میدانند (صحیح است) و حتی باید بگویم که بدون شک محک اساسی مبارزات ملت ایران تجمیل ظالمانه همین قرارداد و آثار مترقبه بر آن بوده است بنا بر این واضح است که بهیچوجه من الوجوه ملت ایران حاضر نیست که بآن قرار داد کمترین ترتیب اثری بدهد و حال آنکه با قید عبارت «وضع حقوقی طرفین» میخوانند آن قرارداد منجوس را زنده کنند گمان میکنم فعلاً بیشتر از این لازم نیست در باب ماده اول صحبت شود.

ماده دوم - اگر منظور از آن ساده ترتیب قرارداد خرید نفت باشد دولت ایران حاضر بودن خود را برای فروش نفت تمام خریداران مکرراً اعلام داشته است و خریداران میتوانند نفت را پس از موافقت در قیمت هر قدر که بخواهند خریداری کنند ولی اگر منظور دیگری در میان باشد مثلاً بخواهند بدین وسیله در امور اداری وقتی نفت مداخله کنند واضح است که این امر قابل قبول نیست.

ماده سوم - غیر منصفانه و حتی موهون بودن پیام در ماده سوم بیش از همه جاهویدا است زیرا مفاد ماده سوم اینست که دولت انگلیس همه قسم فشار غیر قانونی بدولت ایران وارد آورده و هر مضیقهای که ممکن بوده برای ما فراهم کرده است ولی اینست میگوید اگر شرایط پیشنهادی من عمل کنید از این بعد از سختگیری و فشار خود میگویم.

خوب توجه بفرمائید که صرف این پیشنهاد قطع نظر از موضوعات آن چقدر

منصفانه و دوستانه است ؟ اما موضوعات این ماده در سه بند بیان شده :

موضوع بند الف اینست که دولت انگلیس میگوید شرایط ناروائی که در این پیام ذکر شده بپذیرند تا مشتری یعنی شرکت سابق نفت موجود شما را خریداری کند . آیا بزرگ آقایان نفت موجود را خریدن و قیمت آنرا پرداختن معامله است یا چنان مساعدت و کمک بیمانند است که در ازاء آن دولت ایران باید تن بقبول چنین شرایط سنگینی بدهد ؟

آیا انصافاً معامله نفت هیچ ارتباط و ملازمه ای با تجمیل این شرایط دارد ؟

حال بفرم محال دولت ایران این شرایط را هم بپذیرفت آیا تصور میفرمائید پس از قبول آن شرایط نفت موجود ایران بقیمت عادله بفروش خواهد رسید . ؟

متأسفانه باید عرض کنم غیر از این فرض هم که دولت ایران این شرایط را قبول کرد چون شرط اساسی معامله یعنی تعیین قیمت نفت بر طبق همین بند الف بعد موکول شده خریدار بازمجال خواهد داشت که قیمت خود را بفروشنده تجمیل کند چه پس از قبول شرایط دولت ایران یا باید قیمتی را هم که شرکت سابق میگوید بپذیرد و یا باوجود اینکه سایر شرایط را بپذیرفته از فروش نفت صرف نظر کنند یعنی در هر دو حال با دست خود اسباب ضرر و زیان خود را فراهم سازد موضوع بند (ب) ماده سوم اینست که دولت انگلیس پس از تجمیل تمام این شرایط فقط پارامی از تضییقاتی را که روا میداشته بر ملت ایران نفوذ و منافع شرکت سابق را طرف مینماید و در دفع تضییقات دیگر منجمله عدم پرداخت وجوه نقد متعلق بایران که صرفاً در تراژنامه های شرکت سابق مذکور است و سایر مطالبات دولت ایران که در یادداشت ۱۶ مرداد دولت ایران اجمالاً ذکر شده سخنی در میان نیست .

پیش از ختم کلام از این نکته نمیتوانم صرف نظر کنم که از سر ای این پیام بطور استنباط میشود که برای دولت انگلستان چنین تصور باطلی حاصل شده که در نتیجه تضییقات آن دولت اکنون دولت و ملت ایران بآن درجه از استیصال رسیده اند که بقبول هر قسم شرایطی حاضر شده و به معامله اضطرابی کردن گذارند و حال آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران بهیچ قیمتی حاضر بقبول شرایط ناروا که با استقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای ناخواسته تن در نخواهد داد . (صحیح است)

این بود مجملای علی که دولت ایران را از موافقت با پیام مشترک دولتن منوع نمود البته دولت پس از کسب نظر مجلسین جواب پیام را خواهد داد

با اینکه یقین داشتم پیام دولتن مورد

تأیید ملت و مجلسین نیست نخواستم بدون مشورت مجلسین جوابی بآن داده باشم و این جهت از نمایندگان محترم تقاضا شد که با تشکیل جلسات فوق العاده و شور و مزاج در پیام تکلیف دولت را صریحاً تعیین فرمائید

اما نظریات دولت نسبت بپیام چنانکه بعرض رسید پیام مزبور مانند پیشنهادهای سابق با قوانین ملی شدن صنعت نفت سازگار نیست و دولت انگلستان که خوب از این نکته آگاهست از ارسال این پیام نظری جز تأخیر و طفره ندارد البته آنچه در ابتدای پیام نسبت با ایجاد روابط دوستانه برای حل سریع اختلافات دو کشور ذکر شده مطابق آمال و آرزوی ملت ایران است چه ملت ایران با وجود خسارات فراوان و صدمات بی پایانی که در قرن اخیر از سیاست استعماری انگلیس متحمل شده همواره در تشدید روابط حسنه با ملت انگلیس ولی لازم است بعرض برسانم که دولت اینجانب از آغاز کار چنانکه مدارک و اسناد و شواهد حاکی است هیچگونه غفلتی در این قسمت روا نداشته و همه وقت در حدود موازین قانونی برای تصفیه و حل این موضوع حاضر بنماید که بوده است و اینکه تاکنون کار بجائی نرسیده چنانکه همه میدانند بآن علت است که دولت انگلیس میخواهد برخلاف قوانین مصوبه و برخلاف حقوق و تمایلات ملت ایران نفوذ و منافع شرکت سابق را تحت عنوان دیگری بهمان صورت و کیفیت قدیم حفظ کند و این کار برای ملت ایران قابل تحمل نبوده است

نکته مهم دیگری که در این پیام جالب توجه است کلمه (منصفانه) است که در پیام کنجنامه شده و سپس در دنبال همین کلمه راه حلی پیشنهاد کرده اند که تنها منصفانه نیست بلکه برابرت از راه حلها و پیشنهاد های سابق غیر منصفانه تراست در پیام اخیر دولت انگلیس خواسته با یک اقدام ماهرانه سیاسی موضوع نفت را که امر داخلی است و دیوان لاهه نیز با رأی خود آنرا تأیید کرده است با امضای مقاله نامه ای بصورت اختلاف بین دو دولت در آورد در ماده اول ضمیمه پیام سخن از غرامتی است که در مقابل ملی شدن صنعت نفت باید بشرکت سابق پرداخته شود و این ماده چنان تنظیم شده که در موقع لزوم میتواند بوسیله آن قرارداد باطل ۱۹۳۳ را که هیچگاه مورد قبول ملت ایران نبوده است قانونی کنند و از آن استفاده نمایند و بهمین جهت هم سخن از دعوی طرفین بلا فاصله قبل از ملی شدن صنعت نفت بپایان آورده اند در صورتیکه اگر مقصود تأدیبه غرامت ماملکت شرکت سابق در ایران است دولت اینجانب همواره حاضر بوده است با رعایت دعوی

طرفین وارد مذاکره شود و راه حل عادلانه و منصفانه ای پیدا کند و اگر مقصود خویس بهر طریق کمی خواهد استفاده کند چه دلیل دارد که مردم تنگ دست و تهی کبسه ایران رنج بکشند و باز هم تمره کوشش و مجاهدت خود را بسرمایه دارانی که قرن هاست عادت بهارت و جیاول ملل ضعیف دارند تسلیم کنند *

رعایت احترام بپوزین قانونی و حقوق ملل ضعیف نه تنها از قدر و منزلت دول بزرگ نمی کاهد بلکه بر مرتبه و مقام آنها خواهد افزود *

اینجانب بار دیگر بصراحت اعلام می- کنم:

اولاً - دولت اینجانب بی نهایت مشتاق است که اختلافات موجوده هر چه زود تر مرتفع شود تا هر دو ملت در سایه حسن تفاهم بتوانند از نتایج همکاری و مساعدت با یکدیگر برخوردار گردند . و در این راه آرزو مندم که هر چه زود تر بفرمان کدورتها زدوده شود و با صرف نظر کردن از گذشته هر دو ملت سهم خود را در حفظ صلح جهانی بهترین وجه ادا کند .

ثانیاً - معاً کم ایران که بعد از رأی دیوان لاهه یگانه مرجع رسیدگی دعوی شرکت سابق میباشد برای رسیدگی بشکایت شرکت سابق و احقاق حق آماده و مهیاست .

ثالثاً - در صورتیکه شرکت مزبور نخواهد دعوی خود را بر مرجع قانونی ارجاع کند دولت اینجانب حاضر است پس از حصول توافق در مسائل ذیل قضاوت دیوان لاهه را قبول نماید .

۱- تعیین میزان و تقسیم پرداخت غرامت اموالی که شرکت سابق در موقع ملی شدن صنعت نفت در ایران داشته بر اساس هر قانونی که در یکی از ممالک برای ملی شدن صنایع بکار رفته و شرکت سابق آنرا قبول کند اینتها غرامتی است که دولت ایران بشرکت سابق خواهد پرداخت و غیر از این شرکت ادعای هیچگونه غرامت دیگری نخواهد داشت (کنجهای - آقای یکبار دیگر این را قرائت بفرمائید) (فقره اول یکبار دیگر توسط آقای کاظمی بشرح بالا قرائت شد)

۲- رسیدگی بدعوی و حل اختلافات طرفین از ۱۹۳۳ تا آخر ۱۹۴۷ بر اساس قرارداد تجمیلی ۱۹۳۳ و از اول ۱۹۴۸ تا سی ام آوریل ۱۹۵۱ مطابق نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (تاریخ تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت) بر اساس قرارداد تجمیلی ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی کس- گلشایان که شرکت سابق آن را قبول و امضاء کرده و دولت و مجلس ایران آنرا برای استیفای حقوق ملت ایران کافی ندانسته اند .

استناد بقرار داد های ۱۹۳۳ و کس گلشایان فقط از نظر حل اختلافات طرفین استناد بقرار داد های ۱۹۳۳ و کس گلشایان در ظرف مدت های تعیین شده در بالا

میباشد و از تاریخ تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت هیچکدام از آن قراردادهای نمی تواند بنحوی از انجاء مورد استفاده و استناد هیچیک از طرفین واقع شود و بد شرکت هم پس از آن تاریخ بد امانی است (حائری زاده - از ۱۹۳۳ بد امانی است) میخواند یکبار دیگر هم قرائت کنم (نمایندگان - بفرمائید) (این فقره هم بار دیگر بشرح سابق قرائت شد)

۳- رسیدگی و تعیین میزان خسارت دولت ایران ناشی از مشکلات و موانعی که دولت انگلیس و شرکت سابق در راه فروش نفت ایران ایجاد کرده اند و همچنین خسارات ناشی از تضییقات نسبت بصادرات کالا و استفاده از وجوه استرلینگ که دولت انگلیس در بند ب ماده ۳ ضمیمه پیام آن را تصدیق کرده است .

۴- تأدیبه قبلی و علی الحساب (۴۹) میلیون لیره ای که شرکت سابق ضمن بیان ۱۹۵۰ بابت افزایش حق الامتیاز و مالیات و حق السهم ایران از ذخائر بحساب آورده است .

از این مبلغ هر مقداری که مربوط به حق الامتیاز و مالیات است چون بر اساس طلا تضمین شده است بایستی بصورت قابل تبدیل بدلا پرداخت گردد .

گرچه مبلغ بالا از قروض مسلم شرکت بملوت ایران میباشد ولی نظر ابراز نهایت حسن نیت دولت ایران قبول میکنند که اگر دیوان بین المللی دادگستری تمام با قسمتی از آن وجوه را حق ایران ندانست آن مبلغ بصورتیکه دریافت شده دین دولت ایران بشرکت سابق تلقی گردد

باین پیشنهاد صریح و با حسن نیت طرفین امیدوارم هر چه زودتر موضوع نفت خاتمه داده شود و چنانچه سیاست انگلیس بخواهد بیش از این با امرار وقت و ارسال یادداشت های بی حاصل فشار اقتصادی خود را ادامه دهد و مانع فروش نفت بشود مورد تردید نخواهد بود که سیاست آن دولت نسبت بایران دوستانه نیست و حال آنکه فرضی از ادامه مناسبات سیاسی بین دو کشور حفظ منافع طرفین و ایجاد روابط حسنه و حسن نیت متقابل است و با وضع فعلی ادامه مناسبات سیاسی برای طرفین حاصلی نخواهد داشت لذا دولت ایران بخود حق میدهد که برای حفظ منافع خویش از هر گونه اقدامی هر چند منجر بقطع روابط سیاسی بشود فرو گزار نکند و مسئولیت عواقب چنین پیش آمدی البته به عهده دولت انگلیس خواهد بود اکنون اگر مجلس شورای ملی رویه دولت را نسبت به موضوع نفت تأیید میکند درخواست میشود که این رویه بوسیله دادن رأی اعتماد بدولت تأیید و تصویب گردد

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

نایب رئیس - آقای مهندس رضوی راجع بهین موضوع میخواستید مذاکره بفرمائید ؟

مهندس رضوی - بلی

نایب رئیس - بفرمائید

مهندس رضوی - چند سال قبل که این بنده موضوع دعاوی ملت ایران را بر علیه شرکت غاصب نفت از این کرسی مطرح کردم ، ملت ایران اطلاعات بسیار کم و بسیار ناقصی راجع باین موضوع داشت . در آن تاریخ حقیقت قضیه اینست که حتی وزیر دارائی ایران هم بر اهمیت موضوع نفت واقف نبود ، نه آن وزیر بخصوص بلکه بطور عموم همه وزیران دارائی ما بوزارت ممالیه می آمدند و میفرمودند ولی نمی دانستند که در زیر نظر آنها و با امضای آنها هر روز مبالغ هنگفتی از ثروت این مملکت بدست شرکت خارجی خارج میشود و در مقابل هم بملت ایران آنچه می دهند ، بطوری که در همان تاریخ عرض کرده ام ، نه تنها عادلانه نبود بلکه نیمه عادلانه هم محسوب نمیشد (حاج سید جوادی - ظالمانه بفرمائید) آنچه در ایران پیش آمد بنده در زندگانی مختصر سیاسی خودم عادت بهیچ نوع تظاهری ندارم ولی شاید چندین جلسه مذاکرات بنده در دوره بانزدهم در چنین اساس دعاوی ملت ایران بر علیه شرکت نفت خالی از تأثیر نبوده است . (صحیح است) این بنده از آن تاریخ مورد تعقیب علنی و غیر علنی نمایندگان مختلفی که شرکت نفت در ایران داشت واقع شدم و متأسفانه پاره ای از نمایندگان شرکت نفت این قبیل کرسیها را در آن تاریخ اشغال میکردند (یک نفر از نمایندگان - امیدواریم که دیگر اشغال نکنند) چقدر خوشوقتیم که امروز زنده هستم و می بینم دولتی در ایران حکومت میکنند که هر گونه انتقادی نسبت باو داشته باشیم بجای خود محفوظ ، ولی اینقدر بر ما مسلم است که افراد آن دولت و رئیس آن دولت برای ازدست دادن منافع و در واقع ازدست دادن حقوق مملکت ایران با دول خارجی تباہی ندارد . (صحیح است) بلکه بر عکس ، غاژ موم صم هستند که حقوق مملکت ایران را در مقابل خارجیا محفوظ نگاه دارند . (صحیح است) بنده در اینجا متضیبات مملکت ترجیح داده بودم بوسیله مهر سکوت از بیان آنها خود داری کنم ، مجدداً از این کرسی در این تاریخ و در این روز که فرصت قانونی بدست آمده است بعرض ملت ایران برسانم . دوره رضاشاهی ، اگر دلیلی از نظر بین المللی داشته باشد ، همین قرارداد ۱۹۳۳ است (صحیح است) همه میدانیم که رضاشاه بدست خارجیا در این مملکت کودتا کرد و بدست آنها و برای آنها در اینجا حکومت کرد . همه

میدانیم که قرارداد ۳۳ در واقع یعنی تسلیم شدن يك ملت ضعيف در مقابل يك دولت قوی که در پشت پرده سیاست يك شرکت غاصبی را بجلو فرستاده بود و نمایندگان آن شرکت گاهی بصورت آشفتگی و گاهی بصورت قهر با دولت وقت مذاکره میکردند من وظیفه وجدانی خود نمیدانم که صد صد سوغت رضاشاه را تأیید بکنم ، زیرا مطالعاتی که من در همان تاریخ کردم اینطور نشان میدهد که محتمل است ، احتمال دارد رضاشاه در عین اینکه در مقابل سیاست قوی داد ، بواسطه بی اطلاعی و بواسطه عدم بصیرت در امور اقتصاد و همچنین در سیاست بین المللی آنچنان اشتباه بزرگی را مرتکب شده و بنده هرگز از کسانی نمیگذرم که با وجود اطلاعات عمیق و مطالعاتی که در ممالک خارج و داخل داشتند ؛ بعد ما خود را بعنوان آلات فعل باین مملکت معرفی کردند (صحیح است) نه تنها من نمیگذرم ، بلکه آقایان بدانند که میلیونها ایرانی که از فقر و گرسنگی در صحاری و بیابانهای ایران جان داده اند ، و اموال حقیقی و موروثی آنها را در ممالک خارج عمال انگلستان و لرد های انگلستان خرج کرده اند ، این میلیونها شهدای ایران هرگز از تصدیر این افراد نخواهند گذشت (صحیح است) من باید بشما برگویم که اگر در سوغت رضا شاه کمی تردید کردم نه برای اینست که او را تبرئه کنم او را در حدود هشتاد درصد مقصر در این امر میدانم و تاریخ ایران نشان خواهد داد که يك نفر نظامی وقتیکه خواست در مملکت حکومت کند و سیاست مملکت را در دست بگیرد و در قوانین مملکت مداخله بکند و بالاخره روز و شب مردم را در اختیار خود بگیرد ؛ بهتر از این نتیجه نمیدهد و این تجربه برای ملت ایران باید کافی باشد و مردم بدانند که هرگز زمام اختیار خودشان را بدست يك نفر که او بخواهد شخصاً تصمیم بگیرد و شخصاً حکومت بکند ، اعم از اینکه آن شخص نظامی باشد یا غیر نظامی ، ندهند . (حاج سید جوادی - دولت وقت باید اصلاح نشان بدهد که اهل انتقام است و اینها را از یاد آورد) و اما آنچه که امروز آقای دکتر مصدق السلطنه نخست وزیر ملی ما برای ما میفرستاده اند ، برای ما چیز تازه ای نیست ، فقط من احساس میکنم که دولت ایران قدری در این اطفاهای مذاکره - خودش را ضعیف نشان داده است . آقایان من دنیای بچنگ کشیده شده ، عالمی بکن خورده ، ممالکی در یک طرف قرار گرفتند ممالکی در صاف دیگر واقع شدند ، این ممالک و کسب منافع کردند و دارند میکنند همه دارند بنیان زندگانی اقتصادی افراد خودشان را بالا میبرند شما ببینید در تمام -

قرار داد تحمیلی ۱۹۳۳ شرکت خودش باین موضوع اقرار کرده مالیات بردرآمد مربوط بسال ۳۱ و ۳۲ را براساس قانون مالیاتی ایران که حد اکثر مالیات برای شرکت های بزرگ چهاردرصد بوده پرداخته اند اگر قرارداد ۱۹۳۳ میان ما بید ملت ایران بداند که تا ۱۹۴۸ که بنده بیلاهایش را امروز در اختیار داشتیم و رسیدگی کردم عایدات ایران براساس قرارداد داری دو برابر عایدی میشد که طبق قرارداد ۱۹۳۳ عاید ملت ایران شده این چکیده این قرار داد است بنده نسبت به آثار این قرارداد در انتهای این قرارداد که آرزوی آنها بود بگور بردند بنده در آن موضوع چیزی عرض نمی کنم ولی بدانید که اگر قرارداد ۱۹۳۳ مانده بود روزی که شرکت از ایران میرفت در ۱۹۹۲ تمام چیزهایی که داشت در دست خود شرکت میبود و ملت ایران هیچ چیزی نداشت و هر چه می خواست بگیرد باید از یک شرکت خارجی دیگری که شرکت اموال خودش را به آن منتقل نموده بایستی بخرد این هم نتیجه آن قرارداد یعنی اگر آن قرارداد ادامه میداشت نتهنها عواید ایران از قرارداد داری کمتر میشد بلکه بعد از ۳۳ سال تمدید هم اگر میخواست هدین آهن یاره راهم پس بگیرد میدید هیچ ندارد همه صلح شده فروخته شده بدینگران و حتی برای خرید زمینهای خودش باید از یک کمپانی خارجی (اشگر- آنکه مرد) بله مرد باید از کمپانی خارجی بطور عادلانه بخرد ولی همه باید به این سه نکته توجه کنیم و دانسته باشیم که در ظاهر افزایش عوائد ایران را نصف کردند و در سایه ظاهرهای فریبنده ای عوائد ایران را نتهنها کمتر کردند و نتهنها ۳۳ سال تمدید کردند نتهنها زمینهایی که نفط نداشت ول کرده آنهائی که نفط داشت گرفتند بلکه بعد از ۳۳ سال دیگر ایرانی هیچ چیز نداشت بلکه یقین دارم که این روح زنده ایرانی هم اگر این قرارداد وجود داشت و خدای ناخواسته آن بر نامه و آن قرارداد اجراء میشد این روح زنده ایرانی هم مرده بود برای اینکه در دوسال ملت ایران را به بدترین وجهی از تمام صفات عالیه دور کرده اراذل را براو مسلط کرده بودند و مردم شرافتمندی دیگر وجود نداشت برای از بین بردن این قرارداد ۱۹۳۳ بود که ملت ایران فریاد زد که من احقاق حق میکنم و دولتها را وادار به احقاق حق کرد و دولتها دست نشانده رفتن بک قرارداد بستاند که امروز از پشت این تریبون باید عرض کنم اگر قرارداد ۱۹۳۳ عملی میشد دولت ایران در ۵ سال دیگر یا ۷ سال دیگر می فهمید که قرارداد ۱۹۳۳ نتهنها از قرارداد الحاقی ویا قرارداد داری بر مراتب کمتر است بلکه ملت ایران در آن موقع همه چیز را باخته بود و علاوه بر این در قرارداد الحاقی ماده ای

پیش بینی شده که طبق آن تمام دعاوی که براساس قرارداد ۱۹۳۳ تا آن تاریخ داشتیم همه را تصفیه میکردند بنابراین آقایان این مطالب توسط افراد این کشور مطالعه شد و بنظر همه هموطنان رسید همه توجه کردند همه دست بدست هم دادند همه صفهای شکسته خود را بهم پیوستند برای اینکه دشمن میخواست هر چه میخواست بما تحمیل کند ولی ما توفیق پیدا کردیم ملت بیدار ایران موفق شد که اتحاد خودش را که ضامن توفیق ایران تا انتهای جنگ نفت است خوشبختانه توانست آنرا حفظ کرده و بیداری نشان داده باشد و قرارداد الحاقی هم بدبختی بالای بدبختی بود بالاخره مجالس ایران این افتخار را داشتند که آن قرارداد را کافی برای استیفای حقوق ملت ایران ندانستند این کلمه «کافی» اهمیت دارد بنده نمیگویم رد کردند چون مجلس ایران رد نکرد بلکه مجلس ایران گفت که کافی نیست و گفت شما قبول کردید که اینقدر بمن بدهید من قبول ندارم باید بمن بیشتر بدهید این بود وضعیت قضائی ما با رفتن قرار داد الحاقی ولی چون دیدیم که شرکت سرپیچی میکند و بهیچ وجه حاضر نیست حرفهای حق ملت ایران را بشنود همانطور که هنوز هم نمی شود و پشیمان خواهد شد نشنیدو پشیمان شد ملت ایران رفت در بین قوانین تجسس کردید يك درجه امید برایش وجود دارد و آن ملی کردن صنعت نفط است و تمام دنیا حتی دولت انگلستان و امریکا و دیوان لاهه تصدیق کردند که ملت ایران این حق را بطور مسلم و قطعی داشته و حق خودش را اعمال کرده است و آرزوی شرکت خودش را با ملت ایران طرف کرد که آن مرغ تخم طلائی را کشت ملت ایران مرغ تخم طلائی را نکشت بلکه ملت ایران جوجه تخم طلائی را زیر بالهای خودش نگاه میدارد تا تخم طلائی برایش بکند ولی شرکت طماع و غاصب نفت جوجه تخم طلائی و مرغ تخم طلائی خودش را کشت قانون ملی کردن نفط در ایران آن مرغ تخم طلائی را کشت پشیمانی است برای آنهائی که بحق و حقیقت بایند نیستند و خوشبختی برای ملتی که اتفاق دارد و حقش را در همین بیچارگی و فقر و مذلت و گرسنگی بانهات شرافتمندی میخواست و میگیرد این حالت کلی قضا بود اما آمدیم رسیدیم این مرحله که ملی کردیم آن ها میگفتند که ما غاصبم ایرانیها میخوانند مال ما را چپاول کنند و بیرند و ما با صدای نارسای خودمان در دنیا گفتیم که خیر این حرفها جز پرویا کاند و تبلیغات سوء چیز دیگری نیست ما ملت ایران حاضریم غرامت شرکت را با کمال عدالت بپردازیم و این مطلب از این کلام اولیکه در این ماده يك نوشته شده بیش از پیش هویدا است نوشته «تعیین میزان غرامت پرداختی اموالی که شرکت سابق در موقع ملی شدن صنعت نفط

داشته براساس هرقانونی» توجه کنید که این ملتی که اینطور حق طلب است بر اساس يك قانونیکه در هر يك از ممالک برای ملی شدن صنایع بکاررفته و شرکت سابق آنرا قبول داشته باشد یعنی آقایان او برودو پیدا بکنند قانونی که برای او مورد قبول باشد ما هم آنرا قبول میکنیم چه حقیقیش از این عادلانه تر اما اگر شرکت از عنوان غرامت براساس وضعیت حقوقی بلافاصله قبل از ملی شدن بخواهد ۴۳ سال منافع از دست رفته و غارت خودش را در یک کلاه بزرگ و کشاد بر سر ملت ایران بگذارد ملت ایران خواب نیست و بیدار است ملت ایران حقوق و وظایف خودش را بخوبی تشخیص میدهد و هیچ زمان نه به بهانه گرسنگی و نه به بهانه انقلاب و نه به بهانه کودتا و نه به بهانه تهدید جنگ دست از این حق قانونی خودش برنمیدارد برای اینکه آقا آن کسیکه برای دفاع از خودش برای جنگ حاضر نباشد حق زندگی و لیاقت استقلال ندارد و ملت ایران این لیاقت را دارد (صحیح است) و چندین هزار سال هم بدینا نشان داده که ایرانی لیاقت حفظ استقلالش را بشمار معنی دارد اما اگر شرکت چیزی را بخواهد که ما بتوانیم قبول کنیم و آن در قسمت دوم نوشته شده که غرامت شرکت غیر از این هیچ چیز نمیتواند باشد امید است آنهائی که يك نگرانی دارند با این توضیح من روشن بشوند که برای غرامت شرکت مایلکس طبق قوانین دنیا متدین حساب میشود اینها را حساب میکنند و بهش میدهند آقایان حوصله کنند و دنباله این طرح دولت را ملاحظه بفرمایند که بسیار با دقت و حکیمانه نوشته شده و آقای دکتر تمام دفتهای لازمه را در آن کرده اند اینها تمام در اینجا وجود دارد من بشما اطمینان میدهم که هیچیک از حقوقی که در اصطلاح قالبی که الان حضوران عرض میکنند متعلق بدولت ایران است طبق این طرح متقابل بهیچوجه از بین نمی رود اما در این طرح دولت ایران گذشتهای فوق العاده زیادی کرده است در عبارت گزارش دولت این کلمه نیست شاید صلاح ندانسته اند ولی بهر حال بنده که بکنفر نماینده هستم مجبورم در اینجا عرض کنم که در این طرح پیشنهادی ایران خیلی بزرگی نظر بخرج داده بسیاری از حقوقیکه ممکن بود در طرحهای تئوریک که غیر قابل عمل باشد بخودش نسبت بدهد ولی تمام آن حقوقیکه بتواند عملی باشد حقاً و قانوناً در ضمن این مواد منظور شده بنده فقط میخوام که این تذکر را بدهم که این تذکر باید در موقع رأی اعتماد مورد هدف و نظر آقایان قرار بگیرد و آن نکته ای است که اساس و شالوده همین پیشنهاد دولت هست برای اینکه ماها بدولت اعتماد داریم و یقیناً دکتر مصدق که این خدمتهای شایسته را کرده همه این دقت ها را ضمن این مواد کرده ولی بنده اعلام

میکند که عبارات این طرح عبارات قطعی میتواند نباشد کلمه های حقوقی ممکن است ضمن این طرح باشد که تغییراتی داده بشود این را از آقای کاظمی تقاضا می کنم در نظر بگیرند که این رأی اعتمادی را که مجلس می دهد با توجه به این نکات است یقیناً که اگر دولت دید که در اینجا يك نقص کوچکی دارد آن نقص را اصلاح می کند این يك مطلب «مطلب دوم این است که اگر شرکت سابق این پیشنهادی را که با اصلاحات لازم دولت ایران صلاح دید و به او داد کامل و یکجا بپذیرفت تعهد آور برای ایران خواهد بود و مجلس ایران قبول میکند نه اینکه شرکت بگوید چون مجلس ضمن این ۴ ماده ماده رأی اعتماد داده است این تصویب مجلس است و بنابراین این حد اقلی است که دولت ایران باید قبول کند این تذکر ثانوی من اهمیت بسیاری دارد و نگرانیهای بسیاری را که در نظر پارهای از همکاران محترم وجود داشت برطرف میکند اما اصول فکری و سابقه اساسی را که باید نمایندگان محترم مطلع باشند که مبنای این شالوده قرار گرفته اینرا من وظیفه دارم که چون گاهی طرف شور بوده ام و شاید هم اکثر طرف شور را دوست بشمارد بهرحال آن دعاوی را که حق داریم امروز هم بنویسیم میگوئیم هیچ نیکی بعد قرارداد ۱۹۳۳ گفتم که براساس قرارداد داری هم عوائد ما را نصف کرده ما میتوانیم بگوئیم که آقا قرارداد داری را باطل کردیم برای چه؟ دولت و اساس این مطلب بدهید دولت ایران میگوید که يك قرارداد داری بود بعد يك قرار داد ۱۹۳۳ و بعد يك قرارداد الحاقی قرارداد داری چون در دوره استبداد بوده است شاه با اختیاری که داشته آنرا بسته است بسیار خوب قبول داریم این قرار داد از ۱۹۰۱ تا اول سال ۱۹۳۳ عملاً وجود داشته است و اجرا هم شده است اما باید عرض کنم که شرکت تغلب کرد و شرکت بسیاری از حقوق ما را طبق همان قرارداد که ۱۶ درصد حق ایران بود نپرداخت و وقتی هم که مشروطیت شده چکس بر علیه آن حرف نزد چون سکوت بر حسب رضا است آن را ما قبول داریم اگر این قرارداد را بنحو عادلانه عمل میکردند ما غرامت بیش از این پولی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ بایات تصفیه دعوی گذشته بمادانه بایستی بگیریم و گذشت ایران یکیش این است که اگر بیایند براساس قرارداد ۱۹۳۳ و اجرای واقعی آن حق دولت ایران را حساب کنند حق دولت ایران از بابت غرامت دهها میلیون لیره بیش از آن چیزی است که شرکت سابق با حساب سازی بماداده ولی دولت ایران آقائی میکند و میگوید آقا من در مرحله دعوی هستم و شما هم يك آرزوی داشتید که بگور بردیم

حاضرم برای آنکه دیگر و راتان گریه و زاری نکنند این را بشما بیخشم برای چه میگوید بیخشم؟ برای اینکه قرارداد ۱۹۳۳ را ملت ایران نمی شناسد و تحمیلی است و هر چه در آنجا گفته شده همه تحمیل ملت ایران بوده است و از جمله تصفیه حسابهای گذشته ولی بنده هر چه اصرار کردم باقی دکتر چرا آنقدر ارفاق میکنند میفرمودند آقا انگلیسها حرفهای زنده که بد بود و دولت انگلیس پشتش بود شکست خورد اگر ملت ایران فاتح شده برای حرفهای بسیار صحیحی است که هیچ ذهنی حتی آدم طماع هم بین خود و خدا وجودش نمیتواند انکار کند علت توفیق ملت ایران هم در این جنگ دوساله نتیجه این حرفهای حسابش بوده است پس ما اگر گذشت میکنیم این بدامن کبرای ملت نجیب ایران گره انفضاحی نمی نشیند و بدنیائی نشان میدهیم که ما يك ملت فقیر از این میلیونها برای ابراز حسن نیت و حل اشکالی که بین ما و يك ملت دوست شده بنده میگویم ملت دوست برای اینکه دولت دشمن هست این دولت همیشه دشمن ایران بوده است و ملتش دوست ایران بوده است و ملت ایران هم باید ملتش را دوست بشمارد بهرحال آن دعاوی را که حق داریم امروز هم بنویسیم میگوئیم هیچ نیکی بعد قرارداد ۱۹۳۳ گفتم که براساس قرارداد داری هم عوائد ما را نصف کرده ما میتوانیم بگوئیم که آقا قرارداد داری را باطل کردیم برای چه؟ دولت و اساس این مطلب بدهید دولت ایران میگوید که يك قرارداد داری بود بعد يك قرار داد ۱۹۳۳ و بعد يك قرارداد الحاقی قرارداد داری چون در دوره استبداد بوده است شاه با اختیاری که داشته آنرا بسته است بسیار خوب قبول داریم این قرار داد از ۱۹۰۱ تا اول سال ۱۹۳۳ عملاً وجود داشته است و اجرا هم شده است اما باید عرض کنم که شرکت تغلب کرد و شرکت بسیاری از حقوق ما را طبق همان قرارداد که ۱۶ درصد حق ایران بود نپرداخت و وقتی هم که مشروطیت شده چکس بر علیه آن حرف نزد چون سکوت بر حسب رضا است آن را ما قبول داریم اگر این قرارداد را بنحو عادلانه عمل میکردند ما غرامت بیش از این پولی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ بایات تصفیه دعوی گذشته بمادانه بایستی بگیریم و گذشت ایران یکیش این است که اگر بیایند براساس قرارداد ۱۹۳۳ و اجرای واقعی آن حق دولت ایران را حساب کنند حق دولت ایران از بابت غرامت دهها میلیون لیره بیش از آن چیزی است که شرکت سابق با حساب سازی بماداده ولی دولت ایران آقائی میکند و میگوید آقا من در مرحله دعوی هستم و شما هم يك آرزوی داشتید که بگور بردیم

سوم می آید در قرارداد الحاقی و اما راجع بقرارداد الحاقی عرض کردم يك نکته مهم داریم در قرار داد الحاقی تمام دعاوی از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ را ما لاینده اند با يك حقه بازی و این بکرات بحث شده و من لازم نیست مجدداً عرض آقایان برسانم البته این مطالب را آقایان با علاقمندی مطالعه کرده اند دولت ایران میگوید خیلی خوب قرارداد الحاقی را مگر از ۱۹۴۸ عطف بمسابق نکرده است از ۱۹۴۸ تا قانون ملی شدن صنعت نفت این يك مرحله تعارضی ما باشماست ما قبول داریم که در این فاصله این قرارداد را که ما کافی برای استیفای حقوقمان نمیدانستیم و شما آنرا امضاء کرده اید ما آن کم راهم قبول داریم برای آنکه حل دعوی و رفع مشکل بشود و بازم ملت ایران خود را میسوزاند برای اینکه این دوستی را نگه دارد ولی از تاریخی که صنعت نفت ملی شد یعنی از نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ تا موقعی که آقایان شرکتی ها تشریفاتشان را بردند باز مدارسه بیرون ما قبول میکنیم اگر این قرارداد ها وجود نداشت شما که سال های متمادی نفت ما را بردید بایاید بر اساس عادلانه ترین قراردادی که در کشورهای دیگر دنیا وجود دارد عمل کرده اید حق ما را در تمام این مدت بپردازید یقین بدانید حق ما خیلی بیشتر میشود دیگر بالاتر از این که نمیشود حسن نیت بخرج داد این هم نماینده نهات حسن نیت دولت ایران است وقتی که ما این مطلب را می گوئیم کدام عاقل درد نیا هست که بگوید اینها می خواهند ظلم کنند اینها آقایان حقایق است دولت خیلی در این مواد دقت کرده است آقایان عرض کردم چون میدانم که در ته دل ها يك آتش گرمی شعله و راست که ما با ما برای اعتماد بدولت در این زمینه عملی کرده باشیم که بیکروز بفهمیم اشتباه کرده ایم اشتباه نکرده ایم گذشت کرده ایم با اصطلاح خودتان را در دست يك تبلیغات سوء قرار نداده اید از يك پولی صرف نظر کرده اید و تبلیغ لازم برله خودتان و بعقانت خودتان و بی فرضی خودتان و بزرگی خودتان درد نیا کرده اید و این را من باید حضور آقایان عرض کنم که اینها يك توضیحاتی بود که لازم بود در اطراف این طرح حضور آقایان عرض کنم و این اصلاحات خیلی اهمیت دارد بعضی هایش یعنی این (تمی) این عباراتی که در متن گزارش دولت نوشته شده آقایان نباید يك عبارت غیر قابل تفسیری تلقی کنند این يك اصولی است و شما می خواهید که دوستی ملت ایران و ملت انگلستان حفظ بشود این را تعبیر می کنند عبارات باید جامع باین معنی باشد و يك نکته دیگر باید خدمت آقایان عرض کنم و خیلی معذرت میخوام چون خسته کردم آقایان را ولی این نکته مهم است که در این داد گستری بین المللی پس

افزانه کنیم که این ۴۹ میلیون لیره را بطور قطع بگیریم ولی اگر این مجموع را بما قول ندادند من يك پیشنهاد دیگری میکنم که هر عاقلی بیستند آن پیشنهاد چیست؟ میگویم نه قرارداد ۱۹۳۳ نه قرارداد داری نه قرارداد الحاقی اصلاحی چیز نداریم ما حق داریم که بگوئیم که بما حقوق برابر با سایر دارندگان نفت بدهید شما آمده اید و نفت ما را برداشته اید و برده اید شما میگوئید که این قرارداد ها ظالمانه است از نظر تو و مدعی هستی که اینها یک مقدار زیادی از جیب تو می برد ما حاضر هستیم که این پول زیادی را نگیریم و معامله متقابل بکنیم ملت ایران اینرا می گوید و اینرا می خواست خدمت جناب آقای نخست وزیر عرض کنم که اگر لازم است این راهم بنویسند و بنظر من نشان حسن نیت بیشتری از طرف ملت ایران است و میتوانست نظریات جناب آقای مهندس رضوی را ضمنش بگنجانند یعنی این ۴۹ میلیون لیره را بدهند اما اگر غیر قانونی و ظالمانه میدانید ما قبول میکنیم اگر این قرارداد ها وجود نداشت شما که سال های متمادی نفت ما را بردید بایاید بر اساس عادلانه ترین قراردادی که در کشورهای دیگر دنیا وجود دارد عمل کرده اید حق ما را در تمام این مدت بپردازید یقین بدانید حق ما خیلی بیشتر میشود دیگر بالاتر از این که نمیشود حسن نیت بخرج داد این هم نماینده نهات حسن نیت دولت ایران است وقتی که ما این مطلب را می گوئیم کدام عاقل درد نیا هست که بگوید اینها می خواهند ظلم کنند اینها آقایان حقایق است دولت خیلی در این مواد دقت کرده است آقایان عرض کردم چون میدانم که در ته دل ها يك آتش گرمی شعله و راست که ما با ما برای اعتماد بدولت در این زمینه عملی کرده باشیم که بیکروز بفهمیم اشتباه کرده ایم اشتباه نکرده ایم گذشت کرده ایم با اصطلاح خودتان را در دست يك تبلیغات سوء قرار نداده اید از يك پولی صرف نظر کرده اید و تبلیغ لازم برله خودتان و بعقانت خودتان و بی فرضی خودتان و بزرگی خودتان درد نیا کرده اید و این را من باید حضور آقایان عرض کنم که اینها يك توضیحاتی بود که لازم بود در اطراف این طرح حضور آقایان عرض کنم و این اصلاحات خیلی اهمیت دارد بعضی هایش یعنی این (تمی) این عباراتی که در متن گزارش دولت نوشته شده آقایان نباید يك عبارت غیر قابل تفسیری تلقی کنند این يك اصولی است و شما می خواهید که دوستی ملت ایران و ملت انگلستان حفظ بشود این را تعبیر می کنند عبارات باید جامع باین معنی باشد و يك نکته دیگر باید خدمت آقایان عرض کنم و خیلی معذرت میخوام چون خسته کردم آقایان را ولی این نکته مهم است که در این داد گستری بین المللی پس

ازین بپزند این حرف صحیحی است من هم باین حرف مترقم و آنرا قبول دارم پس مطلبی که در این طرح نوشته شده بهیچ صورت حکمت‌مورد قبول نشده این روشن باشد نه‌مدا بعنوان مدرک و مبنای قضاوت دیوان دادگستری بین المللی لاهه قبول شده نه حکمت و من برای آنکه نهایت حسن نیت ما نشان داده شود به احترام‌رای دیوان نگاه میکنیم که اگر بگویند که این ۴۹ میلیون را نگیرید من آنرا هم قبول دارم ولی من یقین دارم که یقین دارم که این مطالب اصول قضایا را در ذهن آقایان روشن کرده و مجلس شورای ملی با رای اعتماد اصول قضایا را مورد تصویب قرار میدهد ولی در صورت اقتضا در عبارات تغییراتی که لازم است داده می‌شود تا سوء استفاده‌ای نتوانند بکنند مطلب دوم این است که اگر شرکت این پیشنهاد قطعی ایران را بعنوان یک مجموعه بدون چون و چرا پذیرفت آنوقت مطالب مندرجه در آن برای دولت ایران تعهد آوراست والا ما نسبت به ما این ها که گفتیم یک چوب تخته پاک کنی بر میداریم و پیش می‌کشیم مثل اینکه اصلا هیچ چیزی نگفته ایم باز روز اول و همان دعوی اول ما دعای غبن را داریم ما قرارداد ۳۳ را قبول نداریم ما چنان‌و‌چنین می‌کنیم تمام ما بملک شرکت را در خارج که مورد توجه آقایان هست و توضیح دادم و در این طرح یکمقداری از آن دررفته است و آنهم بلعاط آقایانی ملت ایران بوده که دولت ایران برای حل قضیه از آن صرف نظر کرده‌ولی اگر قبول نکردند نباید تصور کنند که ما این جارا آمدیم چشمان کور می‌شود بدما مرامی کشاند یک قدم دیگر می‌گذاریم و یا اگر با دولت مصدق توافق نکردند یک روز یک دولت دیگر می‌آورند و ما را می‌کشند به جلو و آنجا دیگر برنگاه است و میگویند این را قبول کنید خیر دولت ایران تا این حد نزدیک شده و اگر آنها قبول نکنند پشیمان خواهند شد همانطوریکه آنوقتها بهشان گفتیم نپذیرفتند و مسخره کردند و بعدالآن پشیمان شدند بعد هم پشیمان خواهند شد.

نایب رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده که قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

اینجانب پیشنهاد می‌کنم مذاکرات کافی است.

حائری زاده - بنده پیشنهادی داده‌ام که مقرر میشود پیشنهاد کفایت مذاکرات است.

ما نکتتیم حساب گذشته را کمیانی طبق دفاتر بدهد برای اینکه خیال کردیم رد می‌کنند مرحوم مشیرالدوله آرمیتاز اسبیت را که بعنوان مستشار مالی بایران تحویل کرده بودند نامور کرد که برود این دعوی کمیانی را که نفت ما را می‌برد و هیچ چیز هم بنا نمی‌داد و تازه ادعای خسارت هم می‌کرد رسیدگی کند ، گزارش مشروخی داد من متن فارسی و انگلیسی آنرا داشتم فارسی آنرا یکی از مدیران جرائد از من گرفت حالا ندارم متن انگلیسیش پیش من است در آنجا گفته است خیلی حقوق ایران را تضییع کرده‌اند و یک انگلیسی شرافتمندی بوده است که نتوانسته است بگوید که هر چه کمیانی میگوید قابل اعتماد است و هر چه شرکت کرده درست است دفاتر شرکت را درست ندانسته است ولی در قسمت شرکتهای تابعه پایه نظر را روی اساسی گذاشته که مرضی ما نبوده است در دوره چهارم و پنجم و ششم من داد و فریادها پشت این تریبون راجع باین موضوع کردم که ما در تمام کمیانهای فرعی و کمیانهای تابعه زیسم بودیم که باید صدی ۱۶ از منافشان بدهند و طبق مقررات کمیانی اصلی با ما رفتار بکنند و در بلو تأسیس هم مقداری سهام مجانی بملت ایران بدهند آرمیتاز اسبیت یک تفسیری کرده است آنجا که کمیانهای تابعه یعنی کمیانهای تابعه ای که صدی ۵۱ سهام آنرا این شرکت مالک باشد بقیه اش را قلم کشیده است ما طی آن قرارداد داری در نفت عراق سهم بودیم در نفت کویت سهم بودیم از تمام این کشتیهای نفت بر این کمیانی که از عدد و حساب ما خارج است و اطلاع صحیحی نداریم در تمام اینها شریک هستیم بودیم (صحیح است) یک حکومت دست نشاندگی ای انگلیسیها آوردند اینجا پس از کودتای ۱۲۹۹ یک صحنه سازی - هائی بعنوان موافق و مخالف درست کردند و قرارداد ۱۹۳۳ را بقیه خودشان درست کردند و قرارداد داری را لغوش کردند از طلا گشتن بشیمانیم ما را مس کنند آن منافع صد ۲۰ باشد برای خودشان ما همان قرارداد داری خودمان را تا روز آخر اگر قبول نکنیم ۵ دانگ از تمام آنچه که کمیانی در تمام دنیا دارد مال ملت ایران است (صحیح است) یک مشت آهن یاره که در ایران است در مقابل این کشتی هائی که در اقیانوسها در دنیا در گردش هستند هیچ ارزشی ندارد من خیلی متعجب هستم که از نظر تراکت بوده است یا هر جهت دیگری بوده جناب دکتر مصدق اینجا دعوی ما که می‌لاردها است تصریحاً کمتر در اطرافش صحبت کرده‌اند و تلویحاً مذاکره شده مثلا در آن گزارشها دیدم که از گمرک کجا سه شاهی با بدهکار هستند کجا چند میلیون سود ما بدهکار هستند ولی آن چیز اصلی

و عده که می‌لاردها ارزش دارد و قدر امپراطوری انگلستان روی آن گذارده شده تا بحال کمتر اسام برده شده است و ما هیچ نمیدانیم چرا باید قرارداد ۱۹۳۳ را مبنای رسیدگی محاسباتمان قرار بدهیم (صحیح است) یکی از دوره‌ها دارد در ۱۹۳۳ توافق شد برای الفای قراض داد داری این بد غاصب را ما بی احترامی بهش نمیکنیم بد امانی اسمش را میگذاریم و میگوئیم یک حق العملی کمیانی باید بگیرد و تمام حساب را روی ۶۰ سهمی که دارد باید حساب کند و در این مدت روی ۶۰ سهمی که بعد از ۶۰ سال تمام دارائی کمیانی مال ایران میشد ۲۳ سالش گذشته بود پس ۳۳ سهم از ۶۰ سهم از تمام ثروت این کمیانی ملک ملت ایران است ۲۷ سهم مال لردها و کسان دیگری که این را دارا بودند پس با این ترتیب ۳۳ سهم مال ما میشود باخیر انگلستان که حامی این کمیانی غارتگر است میگوید که ما قرارداد ۱۹۳۳ را قائم مقام قرارداد ۱۹۰۱ قرار دادیم قرارداد داری رفت قرارداد پهلوی بجای او آمد شما اگر می‌گوئید پهلوی نو کرما بود دست نشاندگی ما بود و خودمان هم این را اقرار داریم و این قرارداد را قبول نداریم پس قرارداد ۱۹۰۱ داری بقوت خودش باقی است این هم باز بنفع ملت ایران است که ما بیائیم تمام محاسبات ملت ایران را از روی قرارداد داری که صدی ۱۶ از کل منافع شرکت اصلی و شرکتهای تابعه است بگیریم این ۲۰ ها پیشکش خودشان من یقین دارم که اگر مهندسین حسابی ما بنشینند عوائد صدی ۱۶ ما را از شرکت اصلی و شرکتهای تابعه حساب کنند خیلی بیش از صدی ۲۰ آنها یا چند شلینگ است که کس و گلشایان درست کردند و آوردند اینجامن چون این عبارت مبهم بود فهمیدم اگر جناب دکتر مصدق این را نیاورده بود مجلس می‌گفت بمن رای اعتماد بدهند با اوعتماد داشتیم و رای اعتماد هم میدادیم ولی چون میگویند ما که این جوابی است که می‌خواهم بدهم تصویب کنید که این جواب را من بدهم من اینجوری که فهمیدم نمیتوان موافقت کنم من پیشنهاد کردم که این طبع و توزیع شود من بیشتر مطالعه کنم و تمام قسمتها اول و آخرش روشن بشود بعد بیائیم اینجا تصمیم بگیریم این پیشنهاد من بود با کفایت مذاکرات هم مخالفت من بهمین جهت بود که این اوراق طبع و توزیع بشود تا بحث و مذاکره بیشتری بکنیم و بعداً رای بدهیم یک جمله دیگری هم بگویم فراموش کردم عرض کنم حون توی بیانات گفته میشد که ما بزرگوار می‌گردیم و گفتیم که اینها را می‌بخشیم آقایان می‌فرمایند که ما را آورده‌اید پای تینکا (حائری زاده - نگذاشتید آن نسخه را که من بیستم اصلاً) عرض کنم حضور آقایان مطلوب ملت ایران غاصب بودن شرکت نفت باطل بودن قرارداد ۱۹۳۳

دکتر شایگان - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید
دکتر شایگان - بیاناتی که امروز اینجانب غالبش برای آنها می‌کنم در مجلس ۱۶ بوده‌اند جنبه تاریخی داشت (صحیح است) یعنی مسائلی که در ظرف چندسال اینجا حل‌جسی شده بود آوردند اینجا مطرح کردند و بدبختانه وقت مجلس طوری اشغال شد که الان جناب آقای حائری زاده می‌فرمایند که ما را آورده‌اید پای تینکا (حائری زاده - نگذاشتید آن نسخه را که من بیستم اصلاً) عرض کنم حضور آقایان مطلوب ملت ایران غاصب بودن شرکت نفت باطل بودن قرارداد ۱۹۳۳

استقامت ملت ایران که حاضر است بانان جو قناعت بکند و حاضر نیست ذره‌ای از حیثیتش کاسته بشود اینجا بطریق اتم و تفصیل و مکرر از طرف غالب نمایندگان صحبت شده خود مخلص با این زبان الکنم سه ساعت در باب باطل بودن قرارداد ۱۹۳۳ اینجا صحبت کردم بنابراین اینها دیگر صحبت از تقویم پارینه است دیگر امروز تماماً شد وفات‌ومات و هیچ نامی دیگر از او باقی نیست حال مسئله دیگری مطرح است مسئله سابق این بود که دولت ایران و ملت ایران می‌گفت که این شرکت برود بی کارش و دست‌از ما بدارد و شرش را بکند این شرکتند شد تمام شد رفت حالا ملت ایران مرحله دیگری دارد طی می‌کند و آن این است که می‌گوید من می‌خواهم این نقشه را در بازار دنیا بفروشم و اشخاصی دولتی ، شرکت هائی که مانع این کار هستند بایستی دست‌از این کار بدارند برای این کار می‌گویند که حاضریم یک توافقی هم بکنم اگر ملت ایران ، اگر دولت ایران اگر جناب آقای حائری زاده منظورشان این است که کاری بکار فروش در دنیا ندارند و مشغول کارمان بشویم اصلاً این حرف‌ها زائد است اصلاً فصولی کردند دول در اینکار دخالت کرده‌اند صحبت از این است که بعضی افراد ملت ایران وو کلای ملت ایران عقیده دارند که بد نیست ما از این منبع خداداد استفاده شایان بکنیم و حالا که می‌خواهیم استفاده کنیم و معامله بکنیم حاضریم که آن دشمن سابق هم بگوئیم بیائیم مذاکراتی کنیم و ترتیب کار را بدهیم نمایندگان محترم مجلس آمدند اینجا نشستند و گفتند برای ۶ ماه کلیه اختیاراتی که لازم است برای اداره این مملکت متعلق بشخص دکتر محمد مصدق است و گفته‌اند که ما کاری نداریم باز عرض کردم امروز در یک جلسه مختصری که داشتیم که شاید بین نمایندگان مجلس یک چند نفری هم باشند که بگویند خوب این هم مثل اینکه جور نیاید با همه اختیاراتی که دارد ولی معذک همان اشخاص در این مسئله موافقت که در باب نفت بایستی دکتر مصدق را بکلی آزاد گذاشت (صحیح است) (حائری زاده - پس در مجلس مطرح نکنید) نظر جنابعالی این است ، ولی ایشان خواسته‌اند مطرح کنند و حالا آقای دکتر مصدق که اظهار اعتماد شما باو کرده‌اید و پیروی از آراء ملت ایران کرده‌اید او می‌گوید که من می‌خواهم یک قدم مهمی بر دارم این قدم مهم را با وجودیکه شما گفته‌اید که این اختیار و بر و با ما دیگر صحبت ممکن معذک من می‌خواهم یک بار دیگر خدمت آقایان برسم و بگویم که من قدمی را که بر میدارم این است آقایان می‌گویند که ما مطالعه نکرده ایم بحث نکرده‌ایم این چیزی که ملاحظه می‌فرمائید که ۲۱ صفحه است از این ۲۱ صفحه يك صفحه‌اش هست که از شما نظرمی خواهند باقی‌آقا کارهای گذشته است این نخست وزیر می‌گوید آقایان این راه را پیرویه‌ام آنکه دیگر تصویب ورد ندارد فقط يك صفحه است که می‌گوید نظر من این است بایستی عرض کنم چیزیکه بعنوان گزارش بعرض مجلس شورای ملی میرسد متن توافقی که در آینده می‌شود نسبت این دوتا زمین تا آسمان فرق دارد يك چیزی بالا بحال است و برای این است که سیاست کئی دولت ، خط مشی کلی دولت بعرض آقایان برسد والا این يك صفحه قابل این نیست که بتواند موافقت نامه باشد (حائری زاده - پس بطریق اولی نظر من باید تأمین بشود) اجازه بفرمائید عرض را بکنم این برای این است که بعرض مجلس برساند که آقایان هم چه چیز است يك طرف این خیلی روشن است می‌گوید که من يك نظریاتی دارم بدولت انگلستان می‌خواهم بگویم و بگویم اگر می‌خواهی این را قبول کن و اگر نمی‌خواهی قبول کنی اصلاً دیگر این روابط ظاهری که اسمش دوستانه است و در لغاف آن بزرگترین اقدامات خصمانه میشود من می‌خواهم این حبله را از بین ببرم و بگویم اگر نپذیرفتی خدا حافظ ما دیگر کاری به کارت نداریم بعد کسیکه این حرف را می‌زند میگوید باید آخرین حرفم را بزنم می‌گویند که آخرین امری که من می‌توانم این آخرین مطالبش دو سه مطلب است یکیش این است که باید این قضیه گذشته تصفیہ بشود ، البته ملت ایران میل دارد که تا آن غاز و شاهی آخری را هم بگیرد ملت ایران میل دارد که چندین هزار میلیون که آقایان فرمودند و بیشتر از اینها بگیرد یک دفعه صحبت از این است که ملت را مستعد برای احقاق حقش بکنند که البته ملت مستعد است يك وقت این است که می‌خواهند کار فیصله پیدا بکنند می‌گویند که برای آنکه کار فیصله پیدا کند دو راه بیشتر نیست یا باید قرارداد داری و قرارداد ۱۹۳۳ را کان‌لم بکن بدانیم و بگوئیم تو اصلاً اینجا بیخود بودی اصلاً هیچ چیزی هم پیش ما نیست این عملی نیست این را لااقل دولت دکتر مصدق عملی نمیدانند می‌گویند که ما این قرارداد ۱۹۳۳ را این سند را باطل میدانیم ولی این سند را که باطل می‌دانیم میتوانیم برای تصفیہ حساب گذشته ملاک قرار بدهیم منتهی ممکن است که طرف استفاده بکند و بگوید که فلان ماده و فلان ماده که یکیش حکمت است می‌خواهیم ننگه‌داریم دولت می‌گوید که خیر من می‌گویم که این قرارداد ۳۳ را در این موارد خاصه ممکن است ملاک عمل قرار بدهیم و تصفیہ حساب کنیم که قضیه گذشته خاتمه پیدا کند

دولت دکتر مصدق می‌گوید که این کار را کردن ضرری ندارد البته ممکن است يك دعوی دیگری که ما داریم اگر بتوانیم از آن استفاده بکنیم بتوانیم حرف بهتری بکرسیم بنشانیم ایشان می‌گویند که بهمین هم اگر اکتفا شود با آن سوابقی که هست که این قرارداد ۳۳ را درست عمل نکردند باین سوابقی که هست تمام موارد تخلف ها از قرار داد ۳۳ بدفعات مکرر مورد اعتراض واقع شده است ممکن است ما این استفاده‌ایکه می‌خواهیم بکنیم استفاده کمتری بکنیم از حق سابق و مقداری از حق ایران ممکن است کاسته بشود ولی این ارزش را دارد که این قضیه نفت خاتمه پیدا بکنند و این راه هست تمام ابواب ضرر را هم مسدود میکند باز بنده اینجا تصریح میکنم که یکی از ابواب ضرر عبارت از این است که ملت ایران موضوع حکمت را بهیچوجه از این راه که در قرارداد ۱۹۳۳ هست نه ملت ایران نه دولت ایران قبول ندارد (صحیح است) این چیزی که می‌گوئیم راجع به حساب مالی است که بیائید و برسد صحبت بکنید حالا این پیشنهادی که تهیه شده است این گزارش که بعنوان پیشنهاد نوشته شده است يك مواد کلی است که موادش با هم میخوانند اگر موادش با هم نخوانند ما در محیط بین المللی بآدمهای پرت و فقهی مورد ملامت قرار خواهیم گرفت اگر ما بگوئیم که ۴۹ میلیون را می‌خواهیم دیگر ما نمی‌توانیم بگوئیم که راجع بگذشته هم قبول نداریم ملاحظه بفرمائید که مسائل را مخلوط نفرمائید اینجا چهار ماده بیشتر نیست باید این مواد با هم بخوانند نمی‌شود هم بگوئیم ۴۹ میلیون را می‌خواهیم هم بگوئیم سوابق را در هیچ مورد قبول نداریم (حائری زاده - قرارداد ۱۹۳۳ اصلاً باطل است) بعد بیائید بفرمائید (حائری زاده - بین اجازه نمی‌دهند) عرض کنم ملاحظه بفرمائید اینجا ماده بیشتر نیست این ۴ ماده ایکه ملاحظه میفرمائید یکیش ممکن است بیخ و تاب داشته باشد آن یکی که بیخ و تاب دارد اینجا بنده پیشنهادی کرده‌ام که بعداً توضیح عرض میکنم بقیه اش بیخ و تاب ندارد ماده اولش جز فرمایشات جناب آقای حائری زاده چیزی نیست ایشان بریر روز خیلی عصبانی بودند که آقایان شما غرامات را پذیرفته‌اید در صورتی که اینجا هم نوشته‌اند که غرامت بر ایمان معنی ندارد فقط آن اموالی را که از شرکت در ایران بوده است این را تقویم می‌کنیم در محاسبات قبول می‌کنیم دیگر در محاسبات چیز دیگری بابت غرامت نیست حرف خود ایشان است عین این مصدق است دیگر ماده سه اش است که رسیدگی کنیم که خواه شرکت و خواه دولت انگلیس چه مواعنی برای کار

ما ایجاد کرده باید جبران شود این آنچه ضروری دارد؟ میگوید یکی از این موادی که شرط کنار آمدن ما باشا است این ماده است که میگوید رسیدگی بکنند که این کارهای خلاف قاعدهای که دولت انگلستان کرده که با اینقدر ضرر رسیده چقدر است یکی ماده ۴ است راجع به ۴۹ مایون لیره که می گوید دعوا داریم خیلی خوب اما شما خوردتان توی ترازنامه تان گذاشته اید که این ۴۹ میلیون مال مات ایران است ما هم حالا احتیاج داریم این را اگر شما از در دوستی در آمده اید و اگر شما مثل مشتریان دیگر ماز در دوستی در آمده اید ۱۰ اگر میخواهید روابط حسنه داشته باشیم این ۴۹ میلیون را بدهید خوب آقا این کجایش بد است؟ چه عیبی دارد؟ و بکجا لطمه میزند اما این اجمالی که در ماده دوم است این اجمال ماده ۲ راهم بنده پیشنهادی دارم که ممکن است این را هم برطرف بکنند بنظر بنده در یک همچو مطلبی وقتی که مجلس تعطیل است وقتی که این جلسه دنباله یک جلسات دیگری است که تمام نمایندگان اختیار نامه بدولت دکتر مصدق و بشخص دکتر مصدق داده اند دیگر لازمهاش این نیست که مدتی وقت بگذرانیم فقط طلبی که قابل بحث است و بنظر بنده باید یک قدری صحبت شود همین ماده دوم است که بنده پیشنهادی کرده ام که بعداً میآیم خدمت آقایان توضیح عرض می کنم بنظر بنده اگر آقایان رأی در رد پیشنهاد آقای حائری زاده بدهند عیبی ندارد ایشان هم شاید گران بیاید برای خاطر اینکه شاید توجیهی نداشته اند حائری زاده ماینکه عیبی ندارد تطبیق و توزیع بشود عصر میآیم می نشینیم دقت می کنیم و چشم بسته رأی نمیدهیم

دکتر مصباح زاده - بنده اخطار نظامنامه ای دارم

نایب رئیس - طبق چه ماده ای؟ (دکتر مصباح زاده مطابق ماده ۱۴۶) بفرمائید

دکتر مصباح زاده - بنده میخواستم یک توضیحی از جناب آقای نایب نخست وزیر بخواهم معلوم نیست گزارشی که امروز بمجلس تقدیم شده طبق معمول برای اطلاع مجلس از سیاست عمومی دولت و رأی اعتماد است مخصوصاً بمناسبت اقداماتی که راجع بنفت شده است یا اینکه این گزارش را طبق قانون ملی شدن صنایع نفت بمجلس تقدیم کرده اند ماده سوم قانون مصوب میگوید دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بدعای حقه دولت و همچنین بدعای حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین عرض کند که پس از تصویب مجلسین بموقع اجراء گذاشته شود

مهندس غروی - اول آن ماده را بخوانید که طبق آن ماده صحبت میکنند آن ماده را بخوانید که به بنیم چیست

دکتر مصباح زاده - وارد است آقا (کری می وارد نیست) اول ماده مربوط به اخطار را بخوانید تا به بنید اخطار شما وارد نیست) اخطار راجع به بنای بودن لوائج و طرحها با قوانین کشور است (کری می - این منطبق با آن ماده نیست) در این گزارش دو قسمت دیده می شود (کری می - مربوط بان ماده نیست آقای رئیس آیین نامه را مراعات بفرمائید والا بنده هم یامی شوم صحبت میکنم)

نایب رئیس - مختصر بفرمائید آقای دکتر مصباح زاده

دکتر مصباح زاده - در این گزارشی که داده شده است دو قسمت است یک قسمت اول که روشن است اگر رأی اعتمادی هم بخواهند مانعی ندارد ولی اگر راجع بان قسمت دوم یعنی آن مواردیکه معین شده یعنی آنجا که شرکت غرامت می تواند مطالبه بکند یا آنجا که ما خسارت می توانیم مطالبه بکنیم این با گزارش دادن باین ترتیب و با گرفتن رأی اعتماد خلاف قانون است قانون ملی شدن صنایع نفت معین کرده است و درست هم پیش بینی کرده چون این موضوع یک موضوع مهمی است یعنی با تمام این سروصدا و این جانفشانی و این خساراتی که ماتحت کرده ایم برای این است که ما درست مطالبات خودمان را از شرکت بگیریم با نیم ساعت نشستن و صحبت کردن سه ماده آوردن و رأی دادن این صحیح نیست این قانون آن روزیکه تصویب شد ما فکر کردیم که فردای آنروز این شرکت حاضر است با ما کنار بیاید یکسال و چند ماه است که این شرکت مملکت را دچار تشنج کرده خساراتی که ما از بعد از ملی شدن صنعت نفت تا امروز دیده ایم زیادتر است از آنچه که ما در ظرف ۳۰ سال از این شرکت دیده ایم این حسابها باید رسیدگی بشود (فقات آبادی عوض از قبداستعمار نجات پیدا کرده ایم این را هم بفرمائید) اگر دولت انگلیس با اعلان جنگ داده بود و با ایران جنگ میکرد خدا شاهد است که وضع ما بهتر از این وضعی بود که ما امروز داریم این ضرر وزبانی که شرکت در ظرف این یکسال و نیم اخیر باین ملت وارد آورده چه از لحاظ متوقف کردن دستگاه آبادان و چه ضررهائی که از لحاظ اقتصادی باین مملکت زده است امروز وقتی فکر میکنیم می بینیم باین آسانی باین سهولت ، باین ترتیب نمیتوان باین گزارش باین عنوان رأی داد بعقیده بنده دو موضوع را باید از هم جدا کرد ، یکی سیاست عمومی آقای دکتر مصدق راجع بنفت است که مورد تأیید ملت ایران و مجلس ایران است و هیچ گفتگویی ندارد ولی یک مورد دیگر هم هست و آن این است که در این گزارش نوشته است که باین سه ماده یا چهار ماده ما میخواهیم باین ترتیب ، با

شرکت و با بادولت انگلیس کنار بیاییم ملاحظه بفرمائید اصلاً باین ترتیب نمیشود مطرح مذاکره قرار گیرد و باینست مطابق قانون ملی شدن نفت اول دولت مذاکره بکند هیئت نظارت هم نظارت قانونی خودش را بکند بعد بمجلسین بیارند سپس از تصویب مجلسین اجرا کنند (مهندس حسینی - این چه حرفی است مطابق قانون ملی شدن چیست؟) عزیزم مقصود این است توجیه کنید جنجال نکنید من با هو از جادار نیروم ، هیچ تردید نیست که مجلس جناب آقای دکتر مصدق و دولت ایشان رأی اعتماد میدهد و اعتماد دارد و الا آن هم ما همه رأی اعتماد خواهیم داد ولی این چهار مطلبی که در آخر گزارش هست باید از این گزارش جدا شود و با ترتیبی که در قانون ملی شدن صنعت نفت معین کرده بآن صورت بمجلس بیاید بنده یکمرتبه دیگر ماده سوم قانون ملی شدن نفت را میخوانم خواهش میکنم آقایان توجه به فرمائید ، میگوید دولت مکلف است بنا نظارت هیئت مختلط بمطالبات و دعای حقه دولت و همچنین بدعای حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین به این که آقا مفرمائید مربوط باین موضوع نیست) بنده اینطور استنباط میکنم

مهندس حسینی - این اخطار وارد نبود این حرفها ضرر بزرگی دارد مطلب مهم است اجازه بفرمائید توضیح بدهم

نایب رئیس - خواهش میکنم خیلی مختصر بفرمائید

مهندس حسینی - اجازه بفرمائید البته وضع شیئی علی غیر موضوع له است **فرزانه** - فی غیر ما وضع له بفرمائید

مهندس حسینی - البته بنده مهندس و آقای دکتر شایگان باید این بیان را بکنند بنده اگر تلمذ هم کرده ام برای این بوده است که اگر باین ماده سوم که آقا بهش استناد کردید آنطوریکه الان استناد میکنید دولت ایران استناد کرده بود در دیوان دادگستری لاهه بعنوان دونه دو روزستیس در ظرف این یکسال و نیم باین ملت دستگاه آبادان و چه ضررهائی که از لحاظ اقتصادی باین مملکت زده است امروز وقتی فکر میکنیم می بینیم باین آسانی باین سهولت ، باین ترتیب نمیتوان باین گزارش باین عنوان رأی داد بعقیده بنده دو موضوع را باید از هم جدا کرد ، یکی سیاست عمومی آقای دکتر مصدق راجع بنفت است که مورد تأیید ملت ایران و مجلس ایران است و هیچ گفتگویی ندارد ولی یک مورد دیگر هم هست و آن این است که در این گزارش نوشته است که باین سه ماده یا چهار ماده ما میخواهیم باین ترتیب ، با

اختلاف پیدا شد بین دولت با یک شرکت خارجی یا یک شرکت ایرانی یا یک دولت خارجی این کار در صلاحیت دیوان و محاکم این کشور است اگر این مطلب را مجلس بقصد انحصار قید کرده بود در واقع صلاحیت محاکم داخلی ایران را زیر پا گذاشته بود (دکتر فتحی شیرازی - تکرار کنید) اگر این ماده را مجلس باین قصد و باین عنوان تصویب کرده بود که بر اساس این ماده دعای حل بشود شایع شرکت را پایمال کرده بود پس کجای دنیا گفته اند که دولت ایران یعنی مدعی برود با کمیسیون و هیئت مختلط نفت بنشیند صحبت کند دعای شرکت را معلوم کند بعد برود قانون بگذرانند آنوقت شرکت میگوید من چی بگویم چکاره هستم این که مسخره است این موضوع را باین فکر آنکسی که در قانون گذاشته بوده است و تفسیرها و جریانات بعدی هم این مطلب را تأیید کرده و بیتم این مطالب در دیوان دادگستری استناد شده که بموجب این ماده تصویب نفی را با اصطلاح دونه دو روزستیس سلب حقی را از شرکت نفت در دیوانهای ایران نکرده این ماده خیلی اهمیت دارد بعد هم آقای دکتر مصدق با وجود این ماده آمدند در مجلس گزارش دادند و بنظر آقایان رسانیدند که دولت در روی سهره اساسی اول بر اساس تعیین غرامت ب میزان قیمت سهام در موقع ملی شدن دوم بر اساس قانون ملی شدن صنایع در ممالک دیگر که در اینجا تکرار شده سوم بهر نحوه دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد یعنی این راهی که در قانون گذاشته اند یک راه از قافی برای تسهیل رسیدن شرکت نفت بادعای خودش بوده است ناهز نظر این بوده است که صلاحیت رسیدگی دیوانهای داخلی ایران را از بین ببرد و عرض کردم که اگر چنین فکری بود ما در دیوان لایحه محکوم شده بودیم و خصوصاً مجلس هم آن نظر صحیح را باینکه رأی اعتماد صد درصد بدون هیچ بحثی قبول کرد یعنی این عمل قانونی را مجلس شورای ملی در این معنی که بنده عرض می کنم و مورد استفاده در دیوان دادگستری قرار گرفته تصویب کرده است بنابراین بنده از لحاظ رفع نگرانی عرض می کنم که این ماده متناسب با آن ماده نیست نکته جالب توجه دیگر این بود که بنده ضمن عرضم گفتم که اصول قضایا همین است و عبارتها ممکن است یک نواقصی داشته باشد و تقاضا کردند که برای اعتماد بگیرند معنی اش این نیست این عباراتی که در این جا گذاشته شده تهدید آور از طرف دولت ایران خواهد بود اولاً باید اصلاحاتی از طرف دولت ایران بشود وقتی هم که اصلاحاتی شد اگر شرکت این نظر را بکجا قبول کرد تهدید آور است نه اینکه آنا بعضی و کفرنا بعضی یک قسمت را بشرکت ببخشند و یک قسمت دیگر را شرکت

نقل نکند

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده درباره قرائت میشود و رأی گرفته خواهد شد آقایان توجه کنید (شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم گزارش طبع و توزیع شده سبب اتخاذ تصمیم شود حائری زاده

نایب رئیس - آقایانی که موافقت بپیشنهاد آقای حائری زاده قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد (بعضی از نمایندگان فهمیدیم آقایان هم توجه نکردند) باید آقایان توجه کنید (دکتر مصباح زاده بنده بعنوان ماده ۹۰ میخواستم عرضی کنم) پیشنهاد دیگری قرائت میشود (پیشنهاد آقای دکتر ملک شریح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم برای اعتماد بطرز زیر گرفته بشود. چون مجلس شورای ملی با آقای دکتر مصدق اختیار داده است موضوع نفت را طبق ماده مصوبه مجلس حل و فصل نماید مجلس با توجه باختیاری که با آقای دکتر مصدق داده است و بدون در نظر گرفتن گزارش دولت بدولت آقای دکتر مصدق رأی اعتماد می دهد

نایب رئیس - آقای دکتر ملک شریح بفرمائید

دکتر ملک شریح - عرض کنم که ماهه در مجلس شورای ملی با آقای دکتر مصدق و دولت ایشان اعتماد داریم و بایشان رأی اعتماد داریم و اختیار تام دادیم که در کلیه شئون مملکت یک اصلاحاتی بکنند و یکی از آن اصلاحات هم این بوده است که در حل و فصل نفت اقداماتی بنمایند (کری می - دیگر اقراری نمی نگرید محدود است آن اختیارات قانون ملی شدن صنعت نفت) همینطور هم هست عرض کنم که الان جناب آقای مهندس حسینی اینجاقرمودند که ما این رأی اعتمادی را که الان می دهیم برای موضوعاتی است که اگر شرکت نفت قبول کرد ما هم یک تعهدی میدادیم بکنیم که آن تصویب شده تلقی بشود (مهندس حسینی - آقا من نمی گفتم، نگفتم تصویب شده عرض کردم تعهد آور برای دولت ، برای مجلس شورای ملی عرض نکردم) وقتی که دو نفر با هم دیگر دعوائی دارند آنها موقمی میتوانند راجع بان موضوع رأی نهائی بدهند که هر دو طرف بنشینند و توافق پیدا کنند و بعداً آنرا امضاء کنند و رأی مجلس بمنزله امضاء است (بعضی از نمایندگان - اینطور که مفرمائید نیست) و ما الا آن همانطور که فرمودید یک چیز بکنیم و بخواهیم رأی بدهیم و آیا این را تا از شرکت قبول کنند در دست ما نیست و این مطالبی را که اینجا مطرح میکنیم با توضیحاتی که در اینجا داده شد این مطالب را قبول بکنیم و بکنیم با اختیار شرکت نفت که قبول بکنند و بکنند و ما یک اقراری اینجا میکنیم که ممکن است بعداً بضرر ملت ایران تمام بشود باین جهت عرض کردم ملت ایران

بآقای دکتر مصدق اعتماد دارد مجلس شورای ملی ایران اعتماد دارد و اختیار داده است که در تمام شئون هر گونه اصلاحی را صلاح بداند عمل کند و در موضوع نفت هم هر طور که صلاح میدانند البته مطابق قانون ماده ۹۰ ماده حل و فصل کنند و ما هم البته دو باره رأی اعتماد بایشان میدهم و دوباره تأیید میکنیم که ایشان اختیار دارند و ایشان شخصاً باید برای این کار مذاکره بکنند و هر چه صلاح می دانند پیشنهاد کنند بایشان و طرحی را مطالعه بفرمایند نتیجه قطعی که گرفتند یعنی نتیجه قطعی که دو طرف دعوا گرفتند یعنی طرف مقابل هم قبول کرده باشد آنرا بمجلس بیارند و روی آن رأی بگیرند این بود که بنده پیشنهاد کردم که الان ما بدولت آقای دکتر مصدق رأی اعتماد بدهیم و گزارش کلیه امورات را طبق ماده مصوبه مجلس شورای ملی در اختیار خودشان بگذاریم

نایب رئیس - آقای ملک مدنی بفرمائید

ملک مدنی - در ضمن مذاکراتی که شد همه آقایان بدون تردید اعتراف دارند که جناب آقای دکتر مصدق یک شخصی است که نهایت دقت را برای حفظ منافع کشور ایران در نظر داشته و دارند و ما موضوع نفت را باید در نظر داشته باشیم که از ایشان شروع شده و با دست خودشان انجام شده است و باید بقیه کار آنها انجام شود و بایشان هم ما یک اختیاراتی داده ایم برای مسائل کلی کشور که ۶ ماه ایشان اختیار داشته باشند آن یک بحث علیحده ای است که هیچ باین موضوع ارتباط ندارد و این موضوع نفت یک قانون خاصی دارد که بنام قانون ۹ ماده نفت است و همه آقایان هم مطلع هستند ایشان در ضمن مذاکرات مفصلی که همه اطلاع دارید یک تصمیمی بگیرند که با نمایندگان شرکت سابق نفت وارد مذاکره بشوند و این مطلب را بیک صورتی حل کنند و این گزارش را هم که بمجلس داده اند خواسته اند مجلس را هم از این تصمیم خودشان مطلع کرده باشند و بنظر مجلس را بخواهند تصدشان این بوده است، ما که اعتماد داریم با آقای دکتر مصدق شاکه آقای دکتر ملک شریح از مزایای پرویاقرس ایشان هستند نباید در این مورد تردید بکنید مذاکراتی که جناب آقای مهندس رضوی در اینجا کردند بعقیده بنده بیان تمام آقایان نمایندگان بود و صحیح و بجاهم بود و این مذاکرات ضرورت داشت، برای اینکه هم جناب آقای دکتر مصدق توجه بمذاکرات و این نظریات آقایان نمایندگان داشته باشند و هم دیگران متوجه باشند که نیت و عقاید مجلس شورای ملی و نمایندگان در این موقعی که این گزارش آمده و رأی اعتماد بدولت میدهند

چه چیز است و بیانی که ایشان بآن تفسیر و با کمال صراحت و با کمال خوبی فرمودند بنده در سهم خود آن بیانات جنابعالی را تأیید میکنم و گمان میکنم که همه آقایان هم تأیید کنند و این یک راهنمایی بود برای دولت و برای جناب دکتر مصدق و اما در عین حال ما نباید این نکته را از نظر دور کنیم آقای دکتر مصدق که آمده است دست بیک کاری زده است و شروع کرده و حالا که شروع کرده ما تردید داشته باشیم بنده عقیده ام این است که ما نباید رأی اعتماد بدهیم چون دولت رأی اعتماد خواسته ما نباید تردید بکنیم و غفلت نمایم بنابراین باید رأی اعتماد بدهیم و دکتر مصدق را آزاد بگذاریم که برود کار خودش را انجام بدهد و بنده یقین دارم که بیاری خداوند متعال آنطوریکه منظور ملت ایران است نتیجه خواهند گرفت

دکتر ملک شریح - چون آقای دکتر شایگان هم راجع باین موضوع پیشنهادی داده اند که تأمین میکنند نظر بنده را بنده مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دکتر شایگان قرائت میشود

پیشنهاد میکنم نسبت بگزارش دولت بطریق ذیل رأی اعتماد گرفته بشود

۱ - مجلس شورای ملی سیاست دولت را نسبت بنفت تأیید و تصویب مینماید

۲ - بند دوم (رسیدگی بدعای وحل اختلاف الی آخر) از مطالبی که آقای نخست وزیر در نظر دارند بعنوان آخرین پیشنهاد اعلام دارند، چون جنبه فنی دارد و محتاج به تصحیح و توضیح است البته پس از اظهار نظر هیئت محترم مختلط نفت و موافقت جناب آقای دکتر مصدق ارسال گردد

دکتر شایگان

نایب رئیس - آقای دکتر شایگان توضیحی دارید بفرمائید

دکتر شایگان - بنده میل داشتم که جواب جناب آقای دکتر مصباح زاده را بدهم (دکتر مصباح زاده - بنده صد درصد با پیشنهاد جنابعالی موافقم) عرض کنم حضورتان این ۴ ماده ای که در جواب پیام گنجینه شده است سه ماده اش بقدری روشن و ظاهر است که محتاج بتأمل نیست و بنده برای خاطر اینکه اولاً از نظر چند نفر از آقایان نمایندگان که میل داشتند در این قسمتی که جنبه فنی دارد بیشتر تأمل بشود و از طرف دیگر برای اینکه حقیقه هم ابهامی دارد و ممکن است که طرف از آن سوءاستفاده ای بکنند این بود که تقاضا کردم از حضور آقایان که این پیشنهاد را تصویب کنید پیشنهاد بنده دوتا ماده دارد ماده اول چیزی است که مکرراً آقایان تأیید فرمودند و این ماده نظر دولت و مجلس را

دارند چون جنبه فنی دارد و محتاج تصحیح و توضیح است پس از اظهار نظر هیئت محترم (بکنفران نمایندگان در عبارت قانون محترم لازم نیست آنرا بردارید) مختلط نفت و موافقت جناب آقای دکتر مصدق ارسال گردد (خلخالی - مجلس چه بکنند؟) و لازم است عرض کنم که هیچکس از این ناراحتی هائی که برای بعضی از دوستان فراهم شده است مورد ندارد (دکتر کیان - ناراحتی هائی برای حفظ حقوق ایران در شرکتهای تابعه است) و بعضی تصور کرده اند که ما گفتیم درد های دیگری نداریم اجازه بفرمائید آقایان این راجع بحفظ حقوق ایران در شرکت های تابعه هم هست و این موضوع گنجانیده شده است این مطالب همه پنهان در این پیشنهادی است که گفته شده است از سال ۱۹۳۳ تا آخر سال ۱۹۴۷ که ملاک کار است در باب این که حقوق ما چه هست و حقوق شرکت چه هست ما صحبت نکردیم صحبت کردم برای حل دعوی چه راهی را پیش بگیریم فقط صحبت طریق حل دعوی است و البته دعوی خودمان را بهیچ نحوی از انحاء نخواستیم و نه محدود کردیم بنابراین خدشه ای از این بابت در خاطر آقایان نباید باشد مگر عرض می کنم این چیزی که بعرض رسیده است این است دکتر مصدق و دولت دکتر مصدق می گویند که این راه را ما میخواهیم برویم این مطلب با آن چیزی که بایستی بعنوان توافق با شرکت تمام بشود بکلی فرق دارد و آن موضوع دیگری است آن سند دیگری است که باید باسلیقه و رای آقایان باشد و ملاحظه می فرمائید و بعد رای می دهید و این هم چیز دیگری است دکتر مصدق می گویند که من میخواهم از این راه بروم نه این که این موافقت نامه را امضاء کنید این مربوط بآن نیست و نه تنها اثری ندارد بلکه بنده حاضر بنویسم که این مطالبی که اینجا گفته میشود این بیاناتی که از طرف دولت در اینجا گفته میشود بیاناتی که از طرف وکلای ملت می شود برای ملت ایران است و هیچکس از این صحبت هاتمه آید و برای دولت نیست و برای طرف هم مورد اتخاذ سند نمیتواند باشد این یک چیزی است که دولت ملی دکتر مصدق میخواهد با وکلای ملت مشورت کند و می گویند که من میخواهم با این آقایان اینطور صحبت کنم و بنابراین هیچکس از این مواد برای ملت ایران الزام آور نیست بهیچ نحوی از انحاء (دکتر معظمی - جناب آقای دکتر شایگان این راه بفرمائید که قابل اتخاذ سند در آتیه هم نیست) ممکن است این نظر را در یک جمله اضافه کنم این را باز مکرر عرض میکنم اینجا فقط صحبت راه حل دعوی است در باب حقوق و دعوی ملت ایران و شرکت سابق نه از جهت محدود بودن نه از جهت شماره کردن چیزی نیست و حالا آن جمله ای که باید اضافه شود این است که می نویسم توجه فرمائید آقایان (مطالبی که امروز در مجلس

شورای ملی عنوان شد اگر توافق نشد - دیگر در هیچ مرحله ای قابل اجرا نخواهد بود) یا بطالبی که امروز در مجلس شورای ملی مورد بحث قرار گرفته است نمیتوان اتخاذ سند نمود (مهندس رضوی - ما نباید سلب اعتبار از مذاکرات مجلس شورای ملی بکنیم) پس بنده با آخرین پیشنهاد چیزی اضافه نمیکنم و پیشنهاد همان است که خواندم و از افزودن چیز دیگر معذورم و افزودن چیز دیگری صلاح نیست و صرف نظر میکنم بنده پیشنهاد این است

۱ - مجلس شورای ملی سیاست دولت را نسبت بنفت تأیید و تصویب مینماید
 ۲ - بند دوم (رسیدگی بدعوی و حل اختلافات الی آخر که قرائت کردم) از مطالبی که آقای نخست وزیر در نظر دارند بعنوان آخرین پیشنهاد اعلام دارند چون جنبه فنی دارد و محتاج تصحیح و توضیح است پس از اظهار نظر هیئت مختلط نفت و موافقت جناب آقای دکتر مصدق ارسال گردد بنابراین اگر آقایان این پیشنهاد را قبول بفرمائید بنظر بنده خوب است

نایب رئیس - جناب آقای حائری زاده مخالفید بفرمائید اجازه بفرمائید آقای کاظمی نایب نخست وزیر فرمایشی دارند بفرمائید

نایب نخست وزیر - بنده فقط چیزی که خواستم عرض کنم این مطلبی است که در ضمن گزارش بعرض آقایان رسیده است که این مدرکی است برای دولت و برای اقدام چیز قطعی نیست چون معلوم نیست طرف چه چیز را قبول کند یا یک قسمتش را قبول نماید و راجع به پیشنهاد جناب آقای دکتر شایگان خواستم بطور توضیح عرض کنم که نظرایشان تأمین است چون دولت همیشه بکمسیون مختلط مراجعه می کند و کسب نظر و مشورت با هیئت مختلط نفت را لازم میدانند و در این مورد هم خواهد کرد دیگر احتیاجی ندارد که در اینجا قید بشود بنده از طرف دولت عرض می کنم که بموجب قانون ماده ۹ مشورت با کمسیون نفت خواهد کرد اما اگر باز آقایان مایل باشند که دولت نظر آقای دکتر شایگان را قبول کند بنده هم مخالفتی ندارم

نایب رئیس - آقایان توجه بفرمائید پیشنهاد آقای دکتر شایگان قرائت میشود (شرح سابق قرائت شد)

حائری زاده - بنده مخالفم اجازه بفرمائید **نایب رئیس** - بفرمائید **حائری زاده** - شکایت و اعتراض من راجع بهمین قسمت است و معایبی که دارد مختصراً خواستم بعرض آقایان برسانم توجه فرمودند ما باید تصفیه حساب را با کمیانی روی قرارداد ۱۹۰۱ داری بگذاریم و محاسبات پنجاه ساله مان را رسیدگی بکنیم و روی آن قرار داد تمام تأسیساتی که این کمیانی در دنیا دارد پنج دانگش متعلق بایران است و حساب روی این پایه تصفیه بشود اگر پایه تصفیه را روی قرار داد ۱۹۳۳ بگذاریم و حساب کنیم تمام آنچه که در دنیا داریم از دست ما می رود

و یک مشت آهن پاره بدست ما می رسد و تمام وحشتی که من دارم روی همین قسمت ۲ است که بایستی حذف بشود من نمی خواهم بگویم که خنات است من عقیده دارم که اشتباه شده و ضرر ملت ایران است میلیارد حاضر دارد برای ملت ایران و من باین جهت مخالفم با هر صورتی که بیرون بیاید **نایب رئیس** - رای میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر شایگان آقایانی که موافقت فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد دیگری قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد) برای اینکه مبادا حق از ملت ایران تضییع گردد پیشنهاد می کنم قبل از اخذ رای بدولت تصریح گردد که رای بدولت متضمن قبول و تصدیق پیشنهاد متقابل و مواد عبارات تنظیمی آن بصورت غیر قابل تغییر نمی باشد - خلخالی

نایب رئیس - با تصویب پیشنهاد آقای دکتر شایگان گمان می کنم موردی برای پیشنهاد آقای خلخالی نیست و استدعا می کنم پس بگیرد

ناصر ذوالفقاری - آقا اصلاً این لایحه نیست یک گزارشی دولت داده است لازم نیست پیشنهاد داده شود

نایب رئیس - آقایان اجازه بفرمائید که زودتر رای بگیریم دو پیشنهاد دیگر هم هست استدعا می کنم آقایان پس بگیرند فعلاً قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) چون با وصف اختیاراتی که جناب آقای نخست وزیر در دست دارند اکنون موضوع گزارش و پیام را با آقایان نماینده

کان مجلس در میان گذارده و نظر خواسته اند پیشنهاد می کنم پس از تهیه متن توافق نامه بگذارند کمیسیون مختلط نفت مطرح و پس از آن نیز در مجلس شورای ملی مطرح شود. دکتر فقیهی شیرازی

نایب رئیس - این پیشنهاد هم با تصویب پیشنهاد آقای دکتر شایگان موردی ندارد پیشنهاد دیگری که هست قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که پیشنهاد آقای دکتر شایگان شامل کلیه ۴ بند پیشنهادی در گزارش گردد زهری **اخگر** - مورد ندارد

نایب رئیس - اینهم موردی ندارد پس بنابراین با اجازه آقایان رای اعتماد می گیریم بنابر تقاضای دولت آقایانی که موافقت و رفته سفید با اسم می دهند آقایانی که مخالفند رای کبود بانام خواهند داد (اسامی آقایان بترتیب ذیل بوسیله

آقای ناظر زاده (منشی) اعلام و در محل نطق اخذ رای بعمل آمد) آقایان: رفیع - دکتر فلسفی - نبوی - منصف - کهبند - مهندس زبرک زاده - مهندس حبیبی - دکتر شایگان - دکتر ملک - میلانی - کریمی - دکتر معظمی - محمد حسین قشقائی - خسرو قشقائی - ناصر ذوالفقاری - دکتر کیان - دکتر مصباح زاده - افشار - گنجی - عبدالرحمن فرامرزی - امامی اهری - مجتهدی - عامری - موسوی - بهادری - دادور - جلیلی - قنات آبادی (این رای را با آقای دکتر مصدق میدهم) - اخگر - جلالی - انگجی

حائری زاده - احمد فرامرزی - نجفی - ربیگی شهیدی - خلخالی - وکیل پور - فرزانه - اقبال - مصدق - ملک مدنی - ذکائی - امیر افشاری - زهری - شاپوری - مجد زاده - مدرس - مهندس رضوی - نریمان - افشار صادقی - شادلو - شوکتی - مهندس غروی - دکتر فقیهی - شهاب خسروانی - پورسرتیب - محمد ذوالفقاری - ناظر زاده - حمیدیه - معتمد دماوندی (شماره آراء بعمل آمده ۶۰ و رفته سفید موافق شماره شد) **نایب رئیس** - از ۶۱ نفر عده حاضر با کثرت ۶۰ رای موافق بدولت آقای دکتر مصدق ابراز اعتماد شد

اسامی موافقین - آقایان: موسوی - گنجی - زهری - دکتر ملک - ناظر زاده - مجتهدی - معتمد دماوندی - حمیدیه - مجد زاده - محمد ذوالفقاری - افشار صادقی - دکتر فقیهی شیرازی - شاپوری - ذکائی - ملک مدنی - مصدق - وکیل پور - عامری - شوکتی - میلانی - افشار - خسرو قشقائی - دکتر معظمی - عبدالرحمن

فرامرزی - بهادری - محمد حسین قشقائی - مهندس حبیبی - امامی اهری - دکتر فلسفی - مهندس زبرک زاده - قنات آبادی - فرزانه - خلخالی - جلالی - ربیگی - رفیع - شادلو - نبوی - اخگر - کریمی - احمد فرامرزی - دکتر شایگان - کهبند - جلیلی - ناصر ذوالفقاری - مدرس - اقبال - امیر افشاری - دادور - نجفی شهیدی - پورسرتیب - مهندس غروی - دکتر مصباح زاده - دکتر کیان - شهاب خسروانی - انگجی - منصف - نریمان (با قید بنده بشخص آقای دکتر مصدق بطور کلی رای اعتماد میدهم ولی اظهار نظر نسبت بمواد جوابیه

آقای دکتر مصدق اعتماد خود را تأیید می کنم ولی در زمینه جواب متقابل تعهدی ندارم)
(بیانات آقای نایب رئیس)
دائر بابر از تأسف و تأثر از فوت مرحوم آیه الله خوانساری
نایب رئیس - ضایعه عظیم فوت مرحوم حضرت آیت الله خوانساری طاب تراه که از مراجع بزرگ تقلید بودند موجب تأثر و تألم عموم مسلمانان جهان بخصوص ملت ایران گردید (صحیح است) چون این واقعه موله در موقع تعطیل تابستانی مجلس شورای ملی روی داد مجال ابراز تأسف و عرض تسلیت در جلسه علنی مجلس شورای ملی فراهم نشد اینک با اغتنام فرصت لازم است تأسف و تألم خود و عموم آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی را بنام ملت ایران و کلیه مسلمین جهان نسبت باین واقعه اظهار نموده و از خداوند متعال مشلت دارم روح پر قوت آن مرحوم را غریق رحمت فرموده بیازماندگان محترم ایشان و آقایان حجج اسلام صبر جمیل عنایت فرمایند (انشاء الله)

(تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه)
نایب رئیس - اگر آقایان اجازه بفرمایند جلسه را ختم می کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز سه شنبه ۱۵ مهر خواهد بود دو ساعت و نیم قبل از ظهر (مجلس دو ساعت و چهار و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - محمد ذوالفقاری